

اما

بقاع و تکایای امام زادگان و سادات و مشایخ و علمای شیراز

(رضوان الله تعالى عليهم اجمعين)

در خاک پاک شیراز جنت طراز، چنان فراوان است که این فادنامه گنجایش آنها را ندارد و آنچه مشهور و معروف است در این کتاب نوشته شود:

بقعه مبارکه حضرت سید امیر احمد مشهور به شاه چراغ ابن امام موسی کاظم علیهما السلام: در محله بازار سرخ است^۱ بعد از حضرت امام رضا (ع) از همه برادران خود برتری داشت، در کتاب شیرازنامه و کتاب مزادات شیراز نوشته است بعد از وفات والد ماجدش وارد شیراز گشته به روضه رضوان خرامید^۲ و اثری از قبر مبارکش باقی نماند تا آنکه امیر مقرب الدین پسر مسعود پسر پدر که از خواص سلطان اتابک ابوبکر بن اتابک بن سعد بن زنگی بود در حدود سال [] شالده برای عمارتی حفر می نمود قبری ظاهر شد^۳ و شخصی تمام اندام، بسلامتی اعضا در آن خوابیده، نقش خاتم او «العزة لله احمد بن موسی» بود و چون واقعه را به اتابک رسانیدند، عمارتی لایق بر آن قبر بساخت^۴ که بقعه اش از کره اثیر گذشت و بعد از سالها روی بخرابی نهاد و پس از سالها ملکه دوران تاش^۵ خاتون^۶ والدۀ مکرمۀ پادشاه زمان شاه شیخ ابواسحق پسر شاه محمود انجوی در سال ۷۵۰ هجری تجدید عمارتش فرموده^۷ مدرسه ای در پهلوی آن ساخت و چند قریه و مزرعه از ناحیه میمند فارس وقف بر آن بقعه و آستانه و مدرسه فرمود و در سال ۹۹۰ واند از حادثه زلزله خراب گشته، از سداخل موقوفه خود تعمیرش نمودند و

۱. اینک در کنار فلکه ای در وسط خیابان احمدی شیراز واقع شده است.

۲. (در زمان خلافت مامون عباسی در شیراز به درجه شهادت رسیده است.) آثار المعجم، ص ۴۴۵ و مزارات شیراز، ص ۱۰ و شد الازار، ص ۲۸۹.

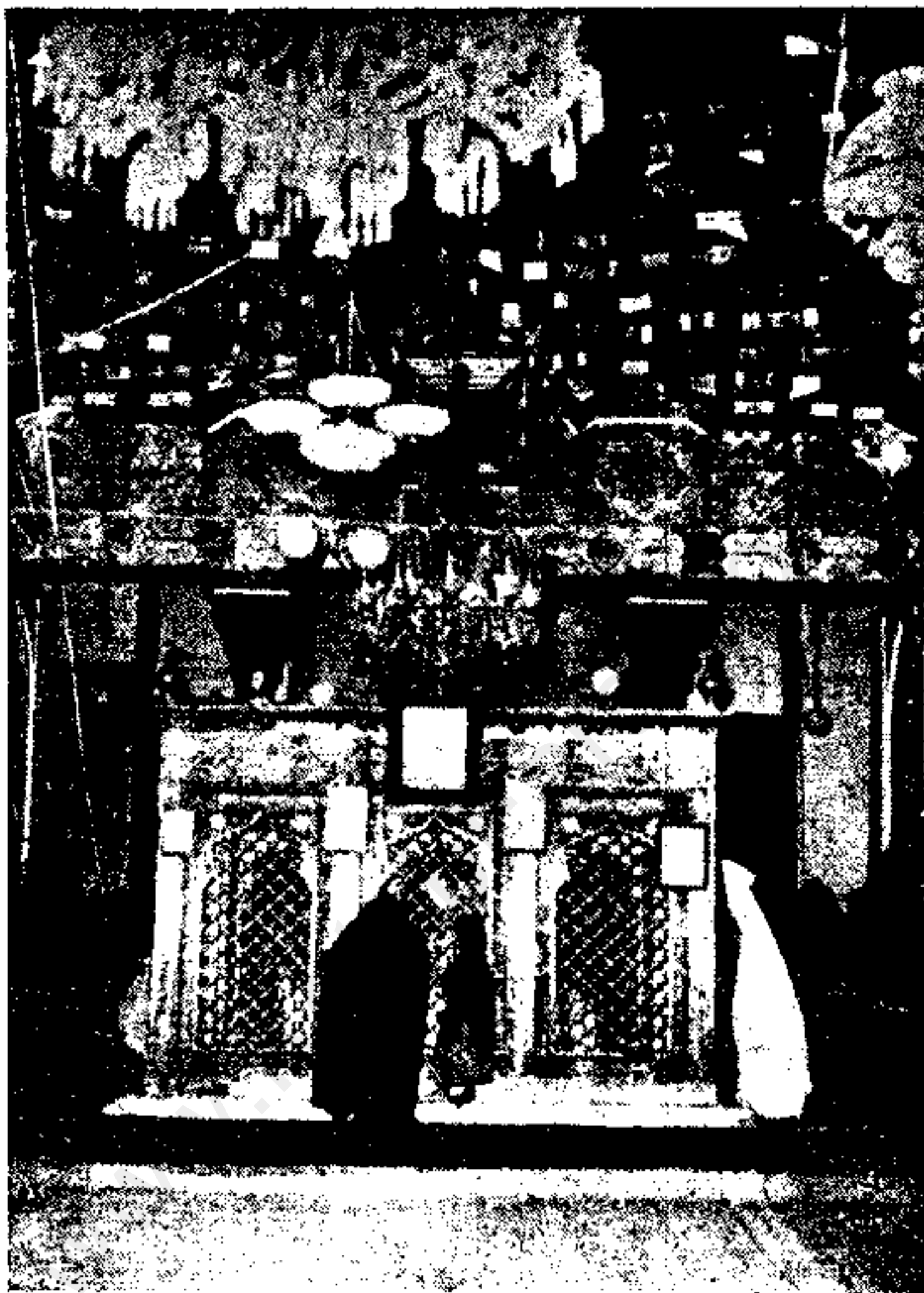
۳. مزارات شیراز، هزار مزار، به تصحیح دکتر نورانی وصال، ص ۳۳۵.

۴. در سال ۷۴۴، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳.

۵. در مزارات شیراز، ص ۱۰ (تاشی) آثار المعجم، ص ۴۴۵: (تاشی).

۶. در متن: (خواتون).

۷. در مزارات شیراز، ص ۱۰، آمده است که: (تاشی خاتون در سال ۷۵۰ درگذشت). و رک: آثار المعجم، ص ۴۴۵.



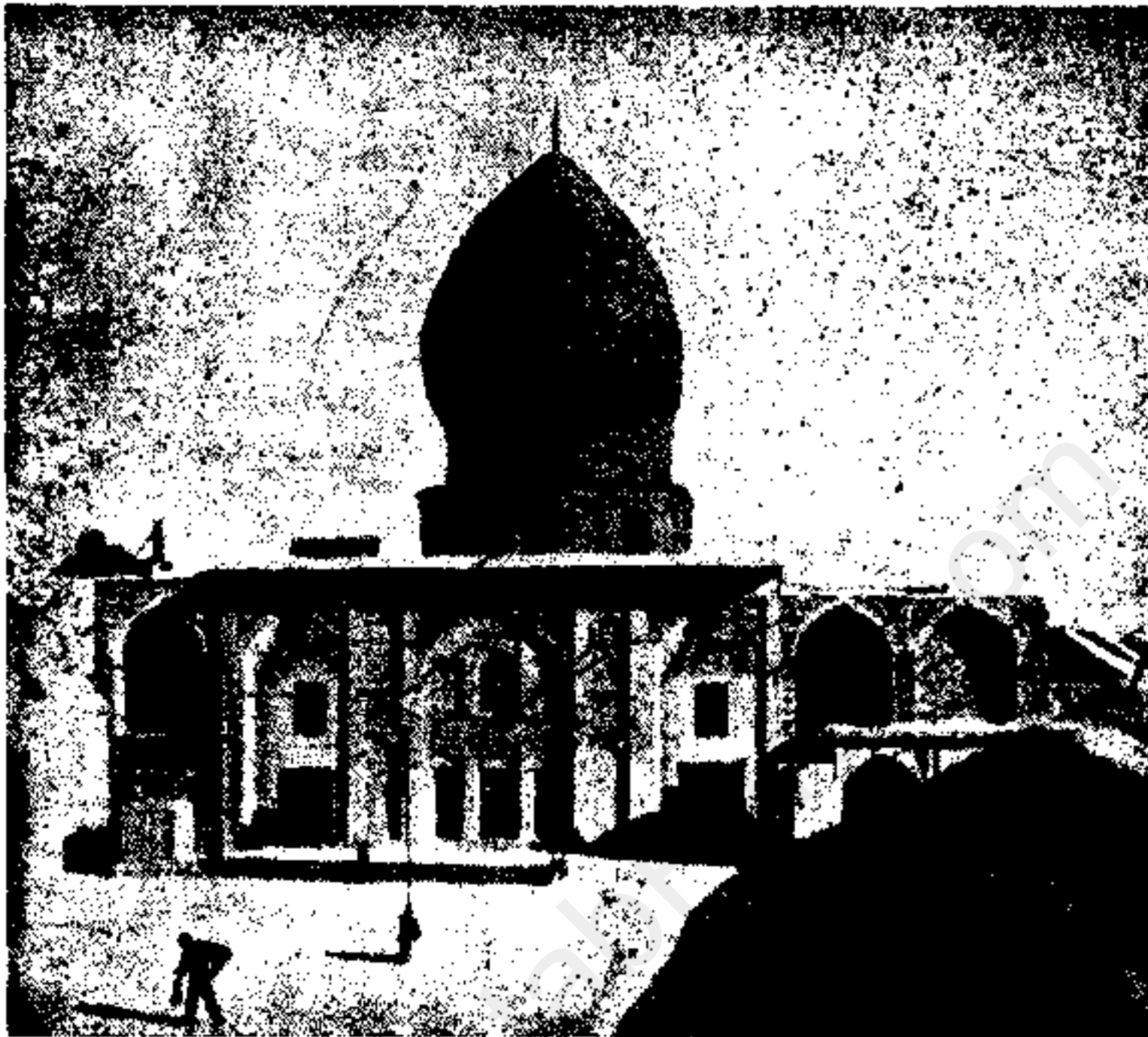
داخل حرم و ضریح حضرت شاه چراغ علیه السلام

در سال ۱۲۳۹ از صدمه زلزله، گنبد و عمارتش خراب شده، نواب والا حسین علی میرزا قاجار، فرمانفرمای فارس، تجدید عمارتش فرسود و در سال ۱۲۶۹ باز گنبدش شکست و جناب محمدناصرخان قاجار، ظهیرالدوله، تجدید گنبد نمود و تا کنون به آبادی باقی است.^۱
بعقه مبارکه حضرت سید میر محمد بن امام موسی کاظم (علیهما السلام): در محله بازار سرخ^۲

۱. تفصیل بناهای مربوط به حضرت شاهچراغ را در آثار العجم، ص ۴۴۴ تا ۴۴۸ و شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۱، و بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، ص ۱۶۸ تا ۱۷۴... بخوانید.

۲. به فاصله دو بیست متری مشرق بقعه شاهچراغ واقع است.

به مسافت کمی در جهت مشرقی بقعه شاه چراغ (ع) است.



ایوان و گنبد حضرت سید میر محمد علیه السلام

در کتاب هزادات شیراز^۱ نوشته است: قبر سید میر محمد (ع) مزار مبارکی است که سادات ابرار و مشایخ اخیار از آن قبر تبرک جویند و چندین بار تجدید عمارت یافته و در سال ۱۲۹۶ نواب اشرف والا، سلطان اویس سیرزا احتشام الدوله، ولدالصدق حضرت اشرف والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا قاجار ادام الله بقائهما بر تمام عمارت بر قبر مبارکش آینه نصب فرمود.

بقعه مبارک حضرت سید علاء الدین حسین بن امام موسی کاظم (ع):

در کتاب هزادات شیراز نوشته است^۲: در این موضع باغی بود از اسیر قتلغ والی فارس و باغبانش چندین بار مشاهده نوری از موضع آن قبر می نمود و بعد از تفتیش قبری پیدا شد که جسد صاحبش تازه بود و در یک دستش قرآنی و در دست دیگرش شمشیری و از نشانه ها دانستند که جسد مبارک آن حضرت است، پس گنبدی رفیع بر آن ساختند و آن گنبد و قبر را

۱. ص ۴۱۰ شدالازار، ص ۲۹۲ آثار العجم، ص ۴۴۸، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۳، بناهای تاریخی و آثار هنری

جلگه شیراز، ص ۱۷۴، هزار مزار، تصحیح دکتر نورانی وصال، ص ۳۳۷.

۲. ص ۱۱۷ آثار العجم، ص ۴۵۳، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۴، بناهای تاریخی...، ص ۱۷۶.



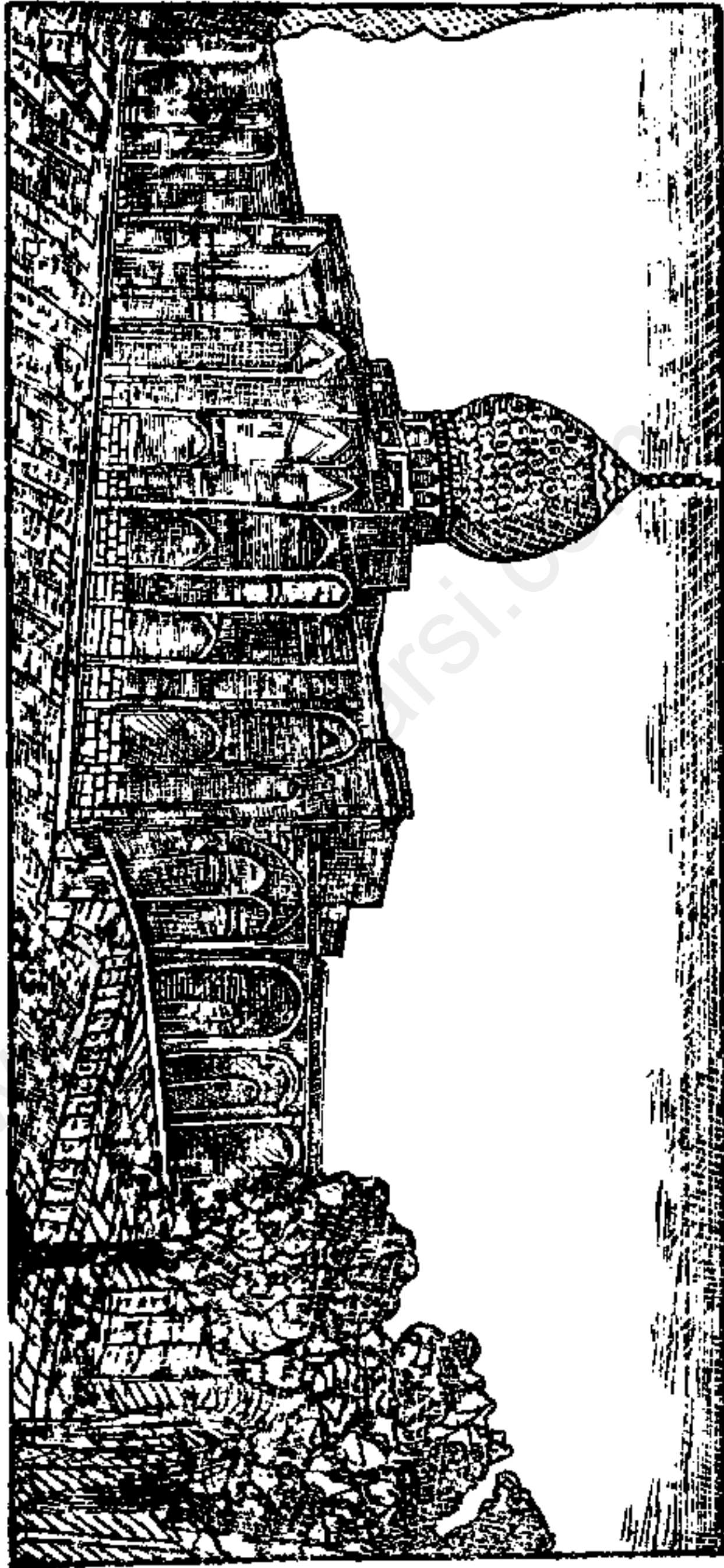
بقعه سید علاءالدین حسن (ع)

در قبرستان محله باغ نو شیراز نوشته‌اند و اکنون اسم محله باغ نو از زیانها افتاده، این محله را بالا کفت گفتند.

بقعه مبارکه حضرت سید امیر علی بن حمزه بن موسی کاظم (ع): در خارج دروازه اصفهان شیراز است. در کتاب هزادات شیراز^۱ نوشته است: خلفای عباسی همت بر دفع و استیصال سادات علویین گماشتند و علی بن حمزه با چند نفر از اقارب خود در سال ۴۴۰ هجری به جانب شیراز آمدند و در غاری از کوه شیراز منزل نمودند و حضرت علی بن حمزه با همراهان خود برای معیشت، خار از کوه صبوی به شیراز آورده، فروخته، گذران می نمودند و چون جاسوسان بنی عباس آن حضرت را بدیدند و آثار بزرگی [را] از ناصیه اش دانستند، خبر او را به خواجه سرائی که مأمور به گرفتن و کشتن علویین بود رسانیدند و آن خواجه سرا با سواران خود به نزدیکی آن

۱. نزدیک به پل رودخانه خشک نزدیک به دروازه اصفهان فعلی است.

۲. ص ۱۲۶. هزار مزار، ص ۳۹۳ آثار المعجم، ص ۴۵۵، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۵، بناهای تاریخی و آثار...، ص ۱۷۹.



تاشی بقعه حضرت سیده علامه الدین حسین از مرحوم فرصت الدوله در آثار المصمیم

غار برفت و چون از آن بزرگوار پرسید نام تو چیست؟ فرمود: علی، پس پرسید پسر کی؟ فرمود: حمزه، پس پرسید پسر کی؟ فرمود: موسی و چون خالی بر پیشانی مبارکش بدید، گمان او بیفزود و با شمشیر سر آن بزرگوار را جدا نمود پس آن شهید مظلوم سر خود را برگرفته به جانب شیراز شتافت تا به این موضع رسیده، بیفتاد و در همین جا مدفون گردید و چون نوبت



بقعه حضرت شاه میر حمزه (ع)

فرمانروائی و دارائی مملکت فارس به امیر عضدالدوله دیلمی رسید، بقعه وسیع و گنبد رفیعی بر آن قبر مبارک بساخت و این عمارت ناتمام که اکنون بر قبر آن بزرگوار است از بناهای غفران مآب حسین علی میرزا فرمانفرماست که بعد از زلزله سال ۱۲۳۹ از دقینه‌ای که در قریه کت گنبد سروستان یافتند به خرج آن بنا فرمود و غاری که آن بزرگوار در وقت ورود به جلگه شیراز منزل نمود، بعد از چندین سال با کوهه در آن منزوی گشته، آن را عبادت‌خانه خود نمود [و] به نام او شهرت یافته، او را غار باباکوهی گویند.^۱

۱. رک: مزارات، ص ۱۳۱، شدالازار، ص ۵۵۱ و ۳۸۰، هزار مزار، تصحیح دکتر نورانی وصال، ص ۳۹۴.

در کتاب مزادات شیراز^۱ نوشته است: شیخ ابو عبدالله محمد معروف به باکوهه، مستجمع خصائل حمیده، متبحر در علوم بود و شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن خفیف را در ایام جوانی ملاقات نمود، پس مسافرت نمود، خدمت شیخ ابوسعید ابوالخیر مهنه‌ای خراسانی رسید، پس عود به شیراز نموده، درمغاره‌ای از کوه صبوی شیراز منزوی گشته، عبادت کرده، در سال ۴۴۲ وفات یافت [و] در همان جای مدفون گردید.

بقعه مبارکه امامزاده ابراهیم: مرحوم حاجی اکبر نواب شیرازی در کتاب دلگشا فرموده است: مردمان آن حضرت را از صلب امام موسی کاظم (ع) دانند و آنچه از قول ارباب رجال مشخص گشته، ابراهیم بن موسی در عهد مأمون عباسی در اطراف یمن بوده است، القبه مرحوم زکی خان نوری وزیر فارس در سال ۱۲۴۰ واند بقعه‌ای رفیع و عمارتی وسیع بر قبر آن بزرگوار بساخت و بعد از حادثه زلزله سال ۱۲۹۹ مرحوم میرزانهیم لشکرنویس باشی، پسر مرحوم زکی خان نوری تجدید عمارتش نمود و تا کنون به آبادی باقی است و این مزار و عمارت، در نزدیکی حصار شیراز قریب به دروازه درب سام است.

بقعه حضرت سیده عبدالله: در ملتقای محله اسحق بیک و محله بازار مرغ است. عمارتی لایق بر مزار آن جناب ساخته‌اند و تا کنون نسب آن جناب معلوم نیست.

بقعه بی بی دختران: در محله میدان شاه است. در کتاب مزادات شیراز^۲ نوشته است: سیده حسینیّه، ام عبدالله، قبرش به تنهایی نزدیک دروازه بیضای شیراز است و بعد از چند سال از وفات آن سیده، زنی مستحق به رجم بود، به طیب خاطر توبه از معاصی نموده، به رغبت تمام راضی به حکم شرع مطهر گشته، او را رجم نموده، در جوار مزار این سیده بزرگوار مدفون گردید، پس جماعتی از فقرا برکتی در این موضع یافته، مجاورت نمودند، پس اهل خیر، گنبد و عمارتی بر آن ساختند و تا کنون به آبادی باقی است.^۳

بقعه خاتون قیامت: در خارج حصار شیراز، نزدیک دروازه قصاب‌خانه که سابقاً به دروازه فسا معروف بود، افتاده است. در کتاب مزادات شیراز^۴ نوشته است: زاهده خاتون، صالحه عابده، در ازدواج اتابک بزابه بود، سالی که سلطان الب ارسلان سلجوقی بر مملکت فارس مسلط گردید، اتابک بزابه را والی فارس فرمود و در سال ۵۴۳ که سلسله سلغریه، غایب بر فارس نمودند، اتابک بزابه را به اصفهان برده، بکشتند و بعد از مدتی زاهده خاتون جماعتی را به اصفهان فرستاده، استخوانهای اتابک را به شیراز آورده، دفن کرده، قبه‌ای رفیع و مدرسه‌ای وسیع بر مدفن او بساخت و آنچه را از ضیاع و عقار مالک بود وقف بر آن قبه و مدرسه نمود و این

۱. (در این بقعه دو اثر هنری ارزنده وجود دارد یکی محجر چوبی خاتم کاری بسیار عالی بر روی قبر که شاهکار صنعت به شمار می‌رود دوم سنگی بطول قریب ۳ متر و عرض ۸۰ سانتیمتر که بر بالای در ورودی به صحن نصب است و ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری با قلمی درشت و خط ثلث نوشته است.) بناهای تاریخی و آثار...، ص ۱۸۰.
۲. (در محله لب آب نزدیک به گورستان دارالسلام). رک: فرصت الدوله، آثار العجم، ص ۴۵۵، بناهای تاریخی و آثار...،

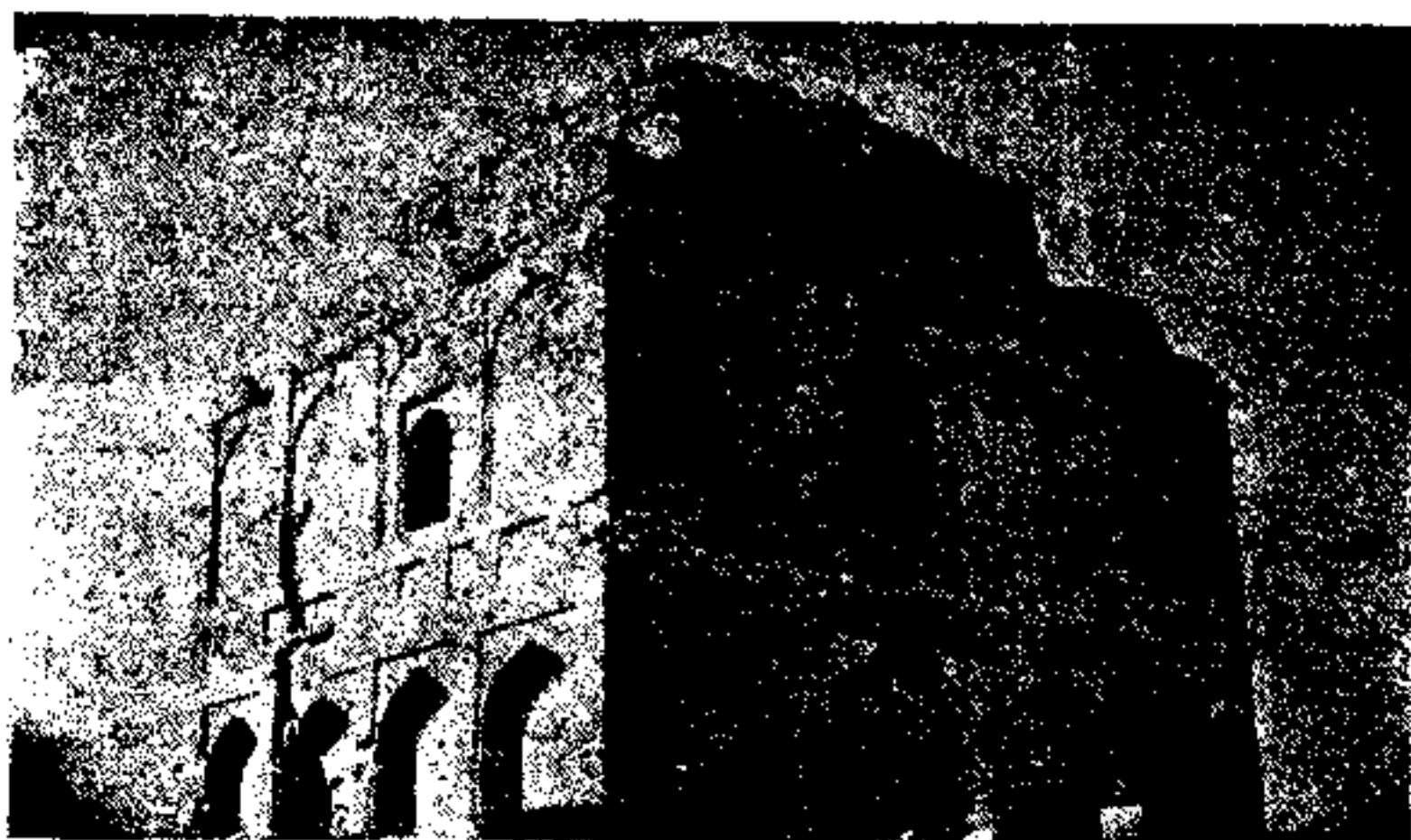
ص ۱۸۱.

۳. ص ۵۷.

۴. رک: آثار العجم، ص ۴۵۷.

۵. ص ۱۲۴، آثار العجم، ص ۴۵۸، شدالازار، ص ۲۸۱، در اقلیم پارس، ص ۶۸: (آبش خاتون).

قبه و مدرسه را در قبرستان باغ نوشیراز نوشته است.^۱



بقعه اشرف خاتون (خاتون قیامت)

بقعه سیده ام کلثوم: دختر سید اسحق کوی، ابن محمد بن زید بن حسن بن علی علیهم السلام را در قبرستان ام کلثوم و شیرویه، در کتاب مزادات شیراز نوشته است^۲ و در این زمان معلوم نیست که در کجای از شیراز بوده است و حاجی میرزا جعفر خان حقایق نگار در کتاب *نزهة الاخباد* نوشته است: اذابک منکوبرس در فارس رایت اقتدار افراشت و در جوار قبر ام کلثوم که حال به خاتون قیامت معروف است، مدرسه‌ای بنا نمود و مدفن خود را در آنجا قرار داد و حرم او که زاهده خاتون^۳ نام داشت و زنی عابده بود، بر مزار ام کلثوم بقعه‌ای عالی بساخت و الله اعلم. و چون زبان صاحب کتاب مزادات در حدود سال ۸۰۰ هجری است و زبان صاحب کتاب *نزهة الاخباد* در حدود سال ۱۲۹۰ است، البته قول صاحب کتاب مزادات مقرون به حقیقت است و آنچه را که اکنون بقعه خاتون قیامت گویند از زمانی که سلطان کریم خان طاب‌ثراه حصار شیراز را کوچک نمود از داخل شیراز در خارج دروازه قصاب‌خانه از جانب دروازه درب سلم است.

بقعه امیر اصیل الدین عبدالله علوی: طاق کوچکی و رواق مختصری که تمام عمارتش به اندازه حجره‌ای، باقی مانده، در محله لب آب در جانب صبوی باغچه مدرسه منصوریه است در کتاب مزادات شیراز و فوات او را در سال ۶۸۵ نوشته است.^۴

۲۹۱. ص ۷۶، آثار المعجم، ص ۴۵۸، شدالازار، ص ۱۶۱.

۳. در متن: (خواتون).

۴. ص ۱۷۹ و ۱۸۰، شدالازار، ص ۳۲۵، شیرازنامه، ص ۱۵۶.

۵. تاریخ و فوات او را در مجمل فصیحی خوانی در حوادث سنه ۶۹۰ می‌خوانیم، رک: شدالازار، ص ۳۲۵، حاشیه ۳.

بقعه امیرعزالدین اسحق بن امیرضیاءالدین علی بن امیرعرب شاه حسینی حسنی دشتکی شیرازی: جد اعلای نگارنده این فارسنامه ناصری است. در کتاب مزادات شیراز نوشته است: از سادات کبار و عباد ابرار است، صابر یربلا و شاکر در آلاء، واعظ مسلمین و ناصح ملوک و سلاطین بود و کتابی در علم تصوف نوشته نامش را مصباح الدجی گذاشت و آن بزرگوار علم و زهد را جمع فرمود و در احادیث نبویه، او را چندین سند بود و در سال ۷۱۷ به رحمت ایزدی پیوست و در قبرستان مسجد جامع عتیق شیراز مدفون گردید.

و خلف الصدقش، امام فاضل کامل، مرتضی اکرم، مجتبی اعظم، سیدسادات مسجد امیرصدرالدین محمد جد اعلای نگارنده این فارسنامه ناصری. در کتاب مزادات شیراز نوشته است: آن جناب از اعیان نقبا و محترمترین سادات عظام و بزرگان کرام قوم و متعصب در دین و امر به معروف و نهی از منکر و مشفق و مهربان و متخلق به اخلاق اولیاءالله، کریم الطبع کثیرالبر و افرالاحسان بود، با گشاده روئی مطایبات نیکو می فرمود و در ایام جوانی مسافرتها نموده، خدمت مشایخ و علما رسیده، تحصیل مراتب کمالیه فرموده، عود به شیراز نمود و در سال ۷۹۷ وفات یافت [و] در بقعه عالییه که بر مقابر اجداد خود ساخته بود، مدفون گردید و در این زمان نگاشتن فارسنامه ناصری از آن بقعه، جز حجره کوچکی در محله لب آب که مشهور است به بقعه امامزاده سیدعزالدین در جانب شرقی مسجد جامع عتیق شیراز نزدیک به حمام قاضی، چیزی باقی نمانده است.

و خلف الصدقش امیرشرفالدین ابراهیم حسینی حسنی دشتکی شیرازی: جد اعلای نگارنده فارسنامه ناصری. در کتاب مزادات شیراز نوشته است: آن جناب بزرگواری بود افضل اهالی اعصار و عالمی نیکو گفتار، کامل العقل، خوش رفتار، مقبول القول در پیش خواص و عوام، از اموال موروثه از عشیره خود، چندان به او رسید که کمتر مالدارى به آن اندازه اموال داشتی و مدت پنجاه سال در مدرسه رضویه شیراز و بقعه شیخ کبیر و مسجد جامع عتیق شیراز، وعظ و نصیحت به ملوک و سلاطین و عامه مسلمین فرمود و فرمانروایان در مجلس وعظش حاضر می شدند.

و نیز در آن کتاب نوشته است: کان ذا اخلاق نبویه و اوصاف مرتضویه و کلمات مستطابه و دعوات مستجابیه، روزی با آن بزرگوار برای دعا و نماز باران به صحرا شدیم، پس آن جناب نماز را به جماعت به امامت گذاشت و همت بر دعا گماشت، پس روی به ما نموده، فرمود: ای برادران باصفا و ای دوستان باوقا، دور شوید از ظلم و جفا و اقتدا کنید به رفتار حضرت مصطفی (ص) که سزاوار پیروی است و بگذارید دنیا را در پشت سر، برای آنکه او را در کناره آید، پس به خدا قسم این کلمات چنان اثری در دلها نمود که چشمه ها، از چشم مردم جاری گردید، پس آن بزرگوار دستها را به جانب آسمان بلند داشته، طلب باران نمود و مردمان با او موافقت نمودند، پس از صحرا به جانب شهر آمدیم، هنوز وارد منازل خود نگشته، که سیل رحمت الهی نزول نمود و آن جناب در ۴۴ ماه صفر سال ۷۸۸ در شیراز به رحمت ایزدی

پیوست و در جوار قبر والده ماجد خود مدفون گردید. غفرالله له.
 بقعه سید حسن کیا: در کتاب هزادات شیراز نوشته است^۱ از بزرگزادگان و بزرگان سادات
 قزوین است. محض عبادت خدای تعالی به شیراز آمده، مجاور مزار شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن
 خفیف گردید و در حدود سال ۴۰۰ وفات نمود و اکنون بقعه و مزارش در میانه بازار و کیل
 و مسجد جامع و کیلی معروف است و این بقعه را مرحوم کریم خان و کیل بنا نمود.
 بقعه و خانقاه شیخ شمس الدین محمد شیرازی، ابن ابیحیی ابن علی لاهیجی کیلانی نوربخش،
 «فدائی» تخلص: افضل و اکمل خلفای سید محمد نوربخش است در حدود سال ۸۴۰ در شیراز
 ولادت یافت و بعد از تکمیل مراتب کمالات نفسانیه در شهر شیراز رحل اقامت انداخته،
 مروج طریقه سلسله نوربخشیه گردید و شرح کتاب گلشن راز که در میانه اصحاب حقیقت و
 طریقت شهرتی تمام دارد، از اوست و چون آن شرح به حضرت عبدالرحمن جامی رسید، این
 رباعی را برای شیخ شمس الدین محمد فرستاد:

ای فقر تو نوربخش ارباب نیاز خرم ز بهار خاطرت گلشن راز
 یک ره نظری بر مس قلم انداز شاید که برم ره به حقیقت ز مجاز

در کتاب سلم السموات این رباعی را از شیخ نوربخش نوشته است:

در موسم نوروز زبان شد همه بید وز آمدنت به گلستان دادنوید
 گشتند درختان شکوفه همه چشم واندر ره انتظار گردید سفید

وقتی شاهنشاه زمان شاه اسماعیل صفوی، طاب ثراه در شیراز از آن جناب پرسید چرا لباس
 دائمی خود را سیاه و پیروانت را به سیاه پوشی داشته‌ای، در جواب گفت برای مصیبت جناب
 سیدالشهداء امام مظلوم حسین، پس شاهنشاه فرمود در ایام عاشورا کفایت است در جواب
 گفت: در تمام عمر هم کم است. بقعه و خانقاه آن جناب در محله لب آب از محلات شیراز
 در میانه شمال و مشرق دروازه درب سلم، قریب به انهدام است، در تاریخ وفات او گفته‌اند:

شمس عالم، نوربخش کائنات آنکه شد مفتوح از او ابواب فقر
 عارف ما بعد بود و قطب وقت مقتدا و هادی اصحاب فقر
 حسب حالش گشت تاریخ وفات قطب عالم سید ارباب فقر (۹۲۱)

بر سنگ سماق بزرگی در بقعه شیخ شمس الدین محمد نوربخش نوشته است: احمد بن -
 محمد اللاهیجی فی ذیحجه سنه ۹۲۱.

بقعه و خانقاه شیخ ابو محمد روزبهان مشهور به شطاح ابن ابی نصر بقلی فسائی: در کتاب
 هزادات شیراز نوشته است^۲: سلطان عرفا و برهان اولیاء و علماء و قدوة عشاق و اسوه ابدال،
 شیخ ابو محمد روزبهان در سال ۴۰۴ وفات یافت و در جنب رباط خود در قبرستان محله باغ نو
 شیراز مدفون گردید و مدت پنجاه سال در مسجد جامع عتیق شیراز وعظ و نصیحت مسلمانان

۱. ص ۴۶، شدالازار، ص ۸۱. هزار مزار، ص ۱۲۴.

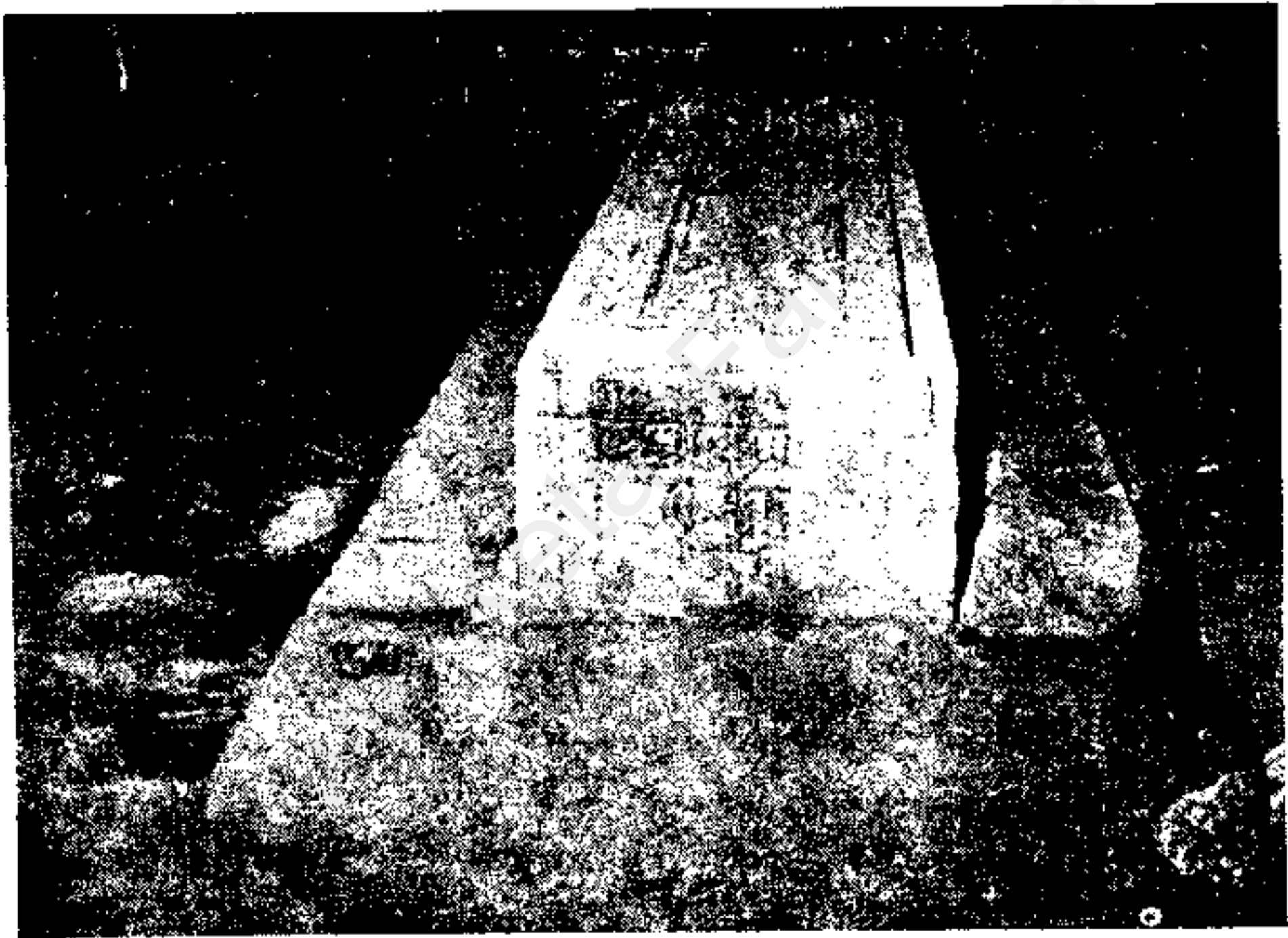
۲. در متن: (این).

۳. ص ۱۱۰، شدالازار، ص ۴۴۳. هزار مزار، ص ۲۸۹.

می فرمود.

مؤلف فارسنامه ناصری می گوید: اکنون بقعه و خانقاه و رباط شیخ روزبهان در محله بالا کفت شیراز، قریب به انهدام است و عوام الناس شیراز، حسن عقیدتی در حق آن جناب ندارند و به دزدی و پنهانی سنگ و آجر عماراتش را می برند.

بقعه شیخ ابوزرعه، عبدالوهاب بن محمد [بن ابوب] اردبیلی؛ در کتاب هزارات شیراز نوشته است: از بزرگان پیشانیان است و بعضی گفته اند از صحابه حضرت ختمی مآب (ص) است و صحیح نیست و شاید از تابعین صحابه باشد، بقعه و قبر آن جناب در قبرستان محله باغ نو شیراز است و در زمان تألیف این فارسنامه در کناره خندق شرقی شهر در خارج حصار شیراز، متصل به محله لب آب است.



قبر شیخ ابوزرعه

بقعه شاهمنذر؛ در کتاب هزارات شیراز^۲ در ذیل قبرستان محله باهلیه شیراز نوشته است، شاهمنذر شاهزاده ای بود، از دنیا اعراض فرموده، به شیراز آمده، عبادت خدای تعالی را شعار خود ساخت و چون وفات یافت در این موضع مدفون گردید و قبه ای بر قبرش بساختند. در

۱. ص ۱۰۲، شدالازار، ص ۲۲۳. هزارمزار، ص ۲۷۲.

۲. ص ۱۰۳. هزارمزار، ص ۱۵۴.



عکس یکی از لوحهای موجوده در بقعه شیخ ابوزرعه

شیراز مشهور است هر کس سوکند دروغ در این بقعه یاد کند بزودی رسوا گردد و زسان تألیف هادسنامه آن موضع مشهور به سربابله که در اصل باهلیه بوده، جزء محله سردزک است. بقعه و عمارت بابا کوهی: متخلص به کوهی، شرح حالش در عنوان کوهی، در ذیل شعرا نوشته شد و در کتاب مزادات شیراز نوشته است: شیخ ابو عبد الله محمد معروف به بابا کویه مستجمع خصائل حمیده بود، مسافرتها نموده، خدمت علما و مشایخ رسیده، در اواخر عمر به شیراز آمده، در مغاره‌ای از کوه صبوی شیراز منزوی گردیده، عمر خود را در عبادت خدای تعالی به پایان رسانیده در سال ۴۴۲ هجری وفات یافت و در همان مغاره مدفون گردید و آنچه در

زمان نگاشتن این فارسنامه باقی مانده، همان مغاره است و قبری در آن ظاهر نیست و در بلندی این مغاره چشمه آبی است و چندین حجره و ایوانی بر سر آن چشمه ساخته‌اند و در بلندی آن چشمه و عمارت، قبری است مشهور به باباکوهی و حضرت شاهزاده مؤیدالدوله طهماسب میرزا- قاجار والی مملکت فارس در سال ۱۲۷۵ گنبد و حجره‌ای بر این قبر بساخت و تاکنون به آبادی باقی است.



آرامگاه باباکوهی در قسمت بالای کوه صبوی

بقعه و تکیه هفت تنان: در کتاب مزادات شیراز نوشته است: اساسی آنها را نیافتم لیکن روایت است که مرد دینداری درب دروازه استخر که اکنون دروازه اصفهان است مشغول تغسیل مردگان بود و اهل شیراز او را از اولیا می‌شمردند، گفته است، شبی در منزل خود بعد از گذشتن ثلث از شب، کسی درب خانه‌ام را کوبید، گفتم کیستی؟ گفت مردی از ما نزدیک به‌مردن است بیا او را غسل بده، گفتم در این وقت؟ گفت بلی، پس از خانه درآمدم، جوانی که بر پیشانی او اثر عبادت بود، دیدم، سلام کردم و گفتم تنها نتوانم غسل دهم گفت دیگری هم هست، پس او برفت و من از پی او تا به دروازه‌ای رسیدیم چون دستش به در رسید، بی‌کلید باز شد، با خود گفتم البته درب باز بود و برگشتم، احتیاط نمودم در را



ایوان بزرگ و عمارت هفت تن شیراز

بسته دیدم، تعجب نمودم، با او برقم تا به مصلی رسیدیم، محوطه‌ای را دیدم گفت به من بمان، ساعتی بماندم و چون گفت: الله، داخل شدم، دیدم همان جوان روی به قبله خوابیده، نیم خشتی در زیر سر گذاشته و سرده است. متحیر شدم ناگاه شش نفر حاضر گردیده، کفن و حنوط آورده، در غسل شریکم شدند و بعد از غسل دفن کرده، بیرون رفتند و چون لباس خود را پوشیده بیرون آمدم، نه حاجبی دیدم و نه عمارتی و چون صبح شد مزار تازه را یافتم که آب بر آن پاشیده بودند و چون بعد از چند روزی دیگر قبر تازه در پهلوئی آن قبر یافتم که آب بر آن پاشیده بودند و بعد از چند روز دیگر قبری دیگر را، همچنین تا هفت قبر را دیدم و گفته‌اند این هفت تن از اولیاء بوده‌اند و مردم در طلب باران و استجابت دعا در این مکان روند. در دامنه کوه میانه شمال و مشرق شیراز به مسافت ربع فرسخی افتاده است و پادشاه زمان حضرت کریم خان زند، عمارتی که لایق سلاطین است در آنجا ساخته است و ایوانی که

یک جانب سقف آن بر دو ستون سنگی یک پاره^۱ به ارتفاع پنج ذرع و بیشتر گذاشته و ازاره این ایوان را به سنگهای مرمر که با ارابه آورده اند، قرار داده اند و دو کفش کن وسیع و دو گوشوار بر کفش کن و دو عمارت عالی در دو جانب کفش کن و گوشوار ساخته و پرداخته است که از حادثه چند زلزله آسیبی ندیده است و هفت قطعه سنگ هر یک به درازای دو ذرع و نیم و سه چهار یک پهنا، در صحن این عمارت انداخته که نشانه هفت قبر است.

بقعه و خانقاه شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی: شرح حال شیخ کبیر در اوائل شعرای شیراز نگاشته گردید. و این شیخ بزرگوار در حال حیات، خانقاهی عالی داشته که مردمان بزرگ از دور و نزدیک در این خانقاه آمد و شد داشتند و بعد از وفات شیخ بزرگوار، بزرگان بر عمارتش افزوده، املاکی وقف بر آن خانقاه نمودند و جماعتی برای عبادت و تزکیه نفس، از شهرهای دور و نزدیک آمده، به فراغت بال می گذرانیدند و از ابتدای سلطنت سلاطین صفویه، این خانقاه از رونق افتاد و حضرت کریم خان زند، صحن خانقاه و رباط و قبرستان حوالی آن را مسطح نموده، میدانی وسیع گشته و در جوانب این میدان چندین حجره برای مسکن نوکر دیوانی بساخت و بر قبر شیخ کبیر، حجره مختصری بنا نمود و این حجره در کناره صوبی این میدان است و اکنون این میدان را میدان نعلبندان گویند، متصل به بازار و کیلی است.

بقعه علمدار: در کتاب مزادات شیراز نوشته است که گفته اند: شیخ عبدالله علمدار از امراء بود در عهد محمد بن یوسف ثقفی والی فارس، به مصلحتی به شیراز آمد و وفات یافت و قبرش در نزدیکی دروازه استخر است که در این زمان دروازه اصفهان گویند و در محله سردزک بقعه و عمارتی است که آنرا بقعه علمدار گویند والعلم عندالله تبارک و تعالی.^۲

بقعه پادشاه عادل ابوالفوارس جلال الدین شاه شجاع: پسر شاه امیر مبارزالدین آل مظفر. در کتاب مزادات شیراز نوشته است^۳ در سال ۷۸۹ در شیراز وفات یافت و بر حسب وصیت او، در جوار قبر شیخ قطب الدین محمد، مدفون گردید و در این زمان فارسنامه نویسی، قبر شاه شجاع در خارج مغربی تکیه هفت تنان است و حضرت کریم خان زند، سنگی شاهانه بر آن قبر انداخته است.

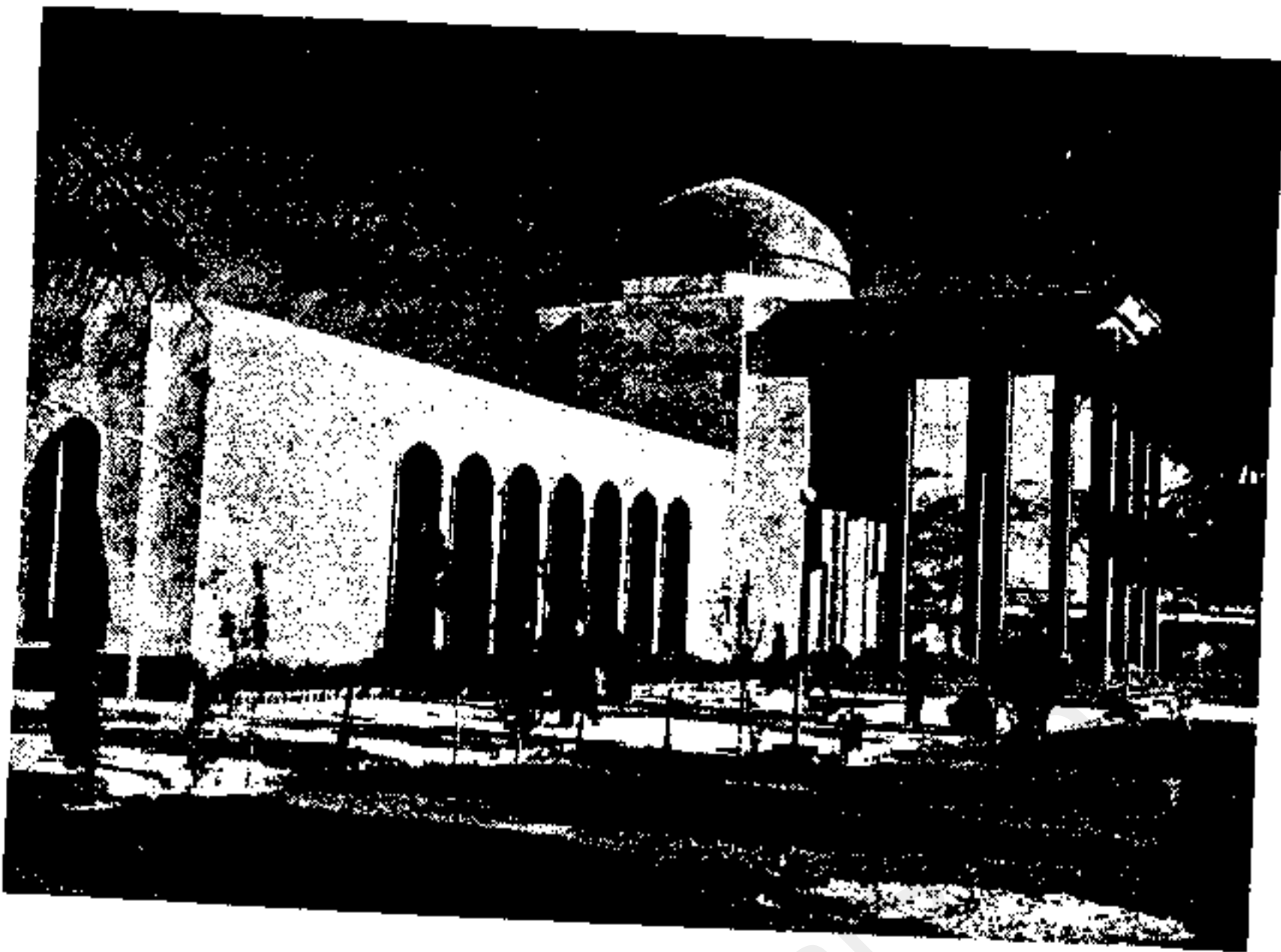
بقعه و تکیه و خانقاه شیخ مصلح الدین سعدی (علیه الرحمه): در کتاب مزادات شیراز لقب و نام آن جناب را شیخ مشرف الدین مصلح سعدی شیرازی نوشته^۴ و فرموده است: شیخ سعدی نصیبی وافر از رسوم دینی و حظی متکثر از علوم یقینیه داشت و خدای تعالی ابواب معرفت را بر او گشود و تکلم در اوصاف متفرقه فرمود و از ظاهر کلامش حظی برای عوام و از باطن کلماتش نصیبی [برای] صاحبان افهام است. چندین بار، پیاده، به مکه معظمه شتافت و مسافرت به بلاد بعیده نمود، آفاق و انفس را سیر فرموده، عود به شیراز نمود و فاستقامت له الاحوال مالا یدر که الامثال، جاهش رفیع و منزلتش وسیع گردید و خانقاهی در پهلوی قنات

۱. در متن: (باره).

۲. رک: آثار العجم، ص ۴۵۶. هزار مزار، ص ۱۰۲.

۳. ص ۱۵۶، شدالازار، ص ۴۶۵. هزار مزار، ص ۴۷۳.

۴. ص ۱۵۷، شدالازار، ص ۴۶۱، آثار العجم، ص ۴۶۷ و ۴۶۸، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۵۰ تا ۱۶۵، بناهای تاریخی و آثار هنری...، ص ۲۵۹. هزار مزار، ص ۴۷۷.



منظره بنای آرامگاه سعدی از طرف جنوب غربی

گازرگاه بساخت و درش را بر دوست و دشمن باز داشت، در سال ۹۹۱ به جوار رحمت الهی رسیده، در همین خانقاه مدفون گردید و حضرت کریم خان زند در حدود سال ۱۱۸۰ واند، عمارتی ملوکانه از آجر و گچ بر جای خانقاه شیخ سعدی بساخت و تا کنون به آبادی باقی است و در سنه ۱۳۰۳ جناب صاحب دیوان میرزا فتح علی خان شیرازی، این عمارت را فی الجمله مرمتی فرموده، تولیت آن با عالی جناب آخوند ملازمین العابدین شیرازی که مهارتی در علوم رسمیه و اطلاعی بر طریقه فقرا دارد، واگذار نموده، معادل پنجاه تومان وظیفه دیوانی برای حق التولیت او مجری و برقرار فرمود و از آن جهت بر زینت تکیه افزوده است.

بقعه و تکیه خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی؛ که اشعار آبدارش در شرق و مغرب عالم مشهور و ذکر اوصافش در هر انجمن مذکور:

ز عشق ناتمام ما جمال یار مستغنی است

به آب و رنگ و خال و خط، چه حاجت روی زیبا را

ایوانش مشتهر آفاق است، در حدود سال ۱۱۸۰ واند حضرت پادشاه زمان کریم خان زند، عمارتی ملوکانه در جوار قبر خواجه ساخته، سقف ایوان آن را بر چهار ستون سنگ یکد پارچه به ارتفاع پنج ذرع گذاشته و از دو جانب ایوان هشت حجره وسیع از آجر و گچ ساخته،

صحنی بزرگ به سه دیوار حصار و طاق‌نمای آجری برای آن عمارت گرفته و بر قبر و مزار خواجه (علیه‌الرحمه) سنگ سرمری به دو ذرع و چارکی درازا، و سه چهاربیک، پهنا، انداخته است و این قبر در میان صحن عمارت افتاده و در اطراف قبور علما و مشایخ و بزرگان است و به فرموده حضرت حاجی معتمدالدوله شاهزاده نرهادمیرزا در سال ۱۲۹۵ معجزی^۱ از آهن، بر قبر خواجه گذاشته‌اند.

بقعه و تکیه چهل تنان^۲ : معارف اهل شیراز گفته‌اند، چهل تن درویش در این تکیه



سنگهای قبر بر مزار عرفای مدفون در چهل تنان شیراز

مدفونند و حضرت کریم خان زند، طاب‌ثراه، عمارت و سه دیوار حصار، از آجر و گچ در کمال

۱. در متن: (معجزی).

۲. رک: آثار العجم، ص ۴۷۳، شیراز در گذشته و حال، ص ۱۷۱.

استحکام در دوره این چهل قبر بساخت و تاکنون به آبادی تمام باقی است و حضرت اشرف والا، معتمدالدوله حاجی فرهادمیرزا قاجار والی مملکت فارس، دام مجده، در سال ۱۲۵۷، چهل سنگ هریک به درازا، از دو ذرع کمتر و پهنا، از سه چهارک کمتر تراشید و بر این چهل قبر بینداخت و این تکیه در میانه تکیه خواجه حافظ و تکیه هفت تنان افتاده است.

بقعه و تکیه امام زاده سید حاجی غریب^۱: سلاصق و چسبیده به درب دروازه کازرون شیراز است و در این زمان عموم مردم شیراز، کمال احترام را بر قبر این سید بزرگوار گذارند و به تجربه معلوم داشته اند که هر کس سوگند دروغ در این بقعه یاد کند عمرش در آن سال تمام شود و سندی در نسب و سال وفاتش بدست نیامد.

بقعه و تکیه شاهزاده محمد: در خارج دروازه کازرون شیراز، عمارتی مختصر بر قبرش ساخته و باغچه‌ای پر از درخت در جوار آن بقعه پرداخته اند و تاکنون به آبادی باقی است.

بقعه و تکیه شاهزاده حسین: در خارج دروازه اصفهان شیراز به صد و پنجاه ذرع بیش در جوار پل بر رودخانه خشک، بقعه خراب مختصری به این نام باقی بود و در سال ۱۲۷۸ نواب والامیرزاده عبدالباقی میرزا، ولدالصدق حضرت اشرف والا مؤیدالدوله قاجار، والی مملکت فارس، عمارتی مشتمل بر چندین حجره کوچک و گنبدی مختصر بر قبر این امامزاده بساخت و تاکنون به آبادی باقی است.

بقعه عبدالله و صاف بن فضل الله شیرازی^۲: که بیان القابش از بنان این بنده خارج از انصاف است، در میانه تکیه خواجه حافظ و تکیه چهل تنان افتاده و بقعه آن منهدم و قبری که سنگی مختصر بر آن انداخته اند باقی است و شرح حالش در ذیل اسامی علماء شیراز، نگاشته گردید.

بقعه و تکیه شاه الداعی الی الله^۳: نام شریفش سید نظام الدین محمود، از بزرگان اصحاب حقیقت و پیروان شریعت و طریقت است، حضرت کریم خان زند طاب ثراه، عمارت و قبه‌ای بر قبر او بساخت و در سال ۱۲۹۹ حاجی میرزا کریم صراف تعمیرش نمود.

بقعه و تکیه پیر بناب^۴: چون چشمه‌ای که چندین قریه و مزرعه را آب دهد از زیر این عمارت درآید، او را پیر بناب گویند. در شیراز مشهور است که شیخ اقطع که قصه آن در کتاب هثنوی قطب العارفین مولوی روسی مرقوم است همین پیر بناب است، در جانب قبله شهر شیراز به مسافت دو فرسخ افتاده است.

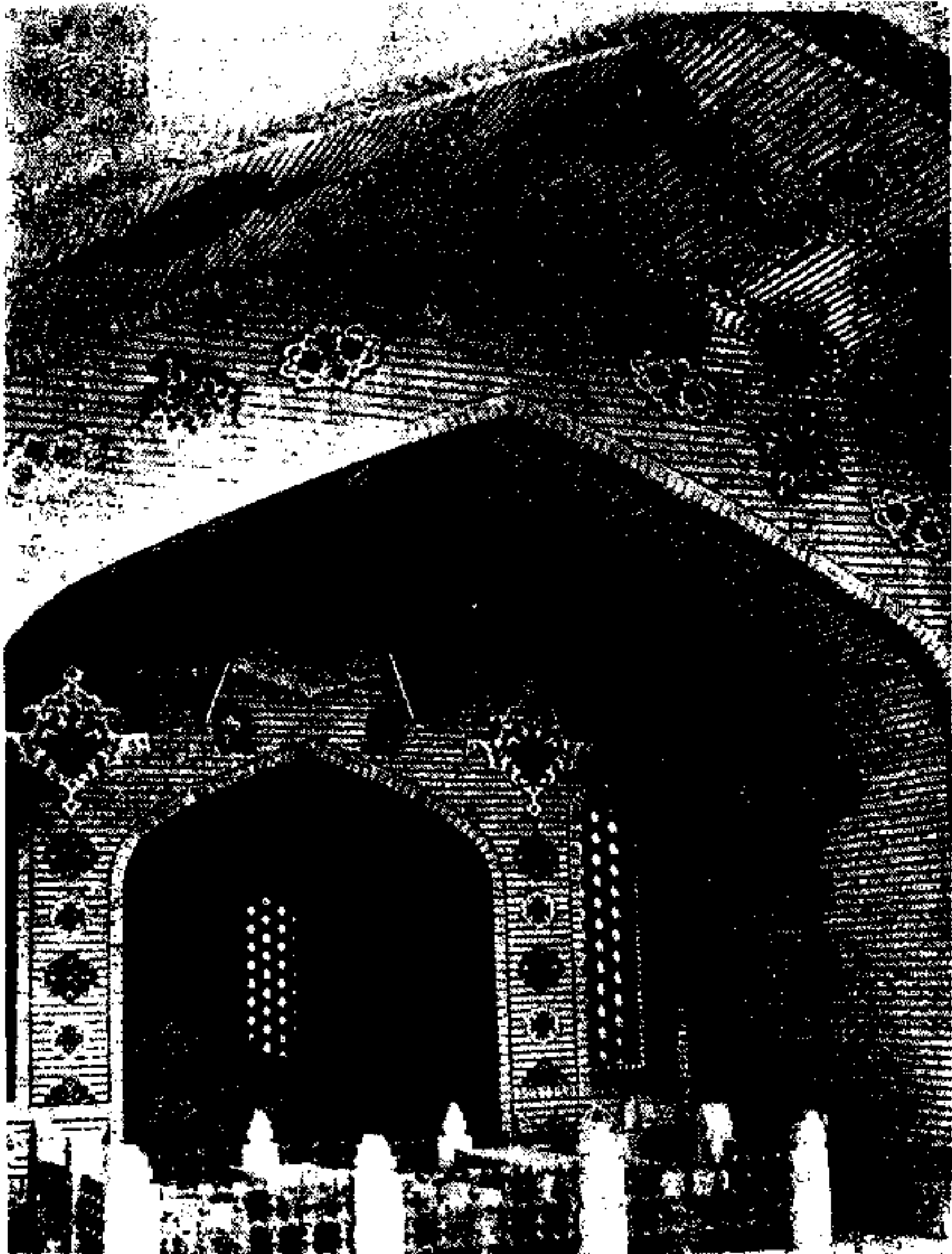
۱. فرصت الدوله او را (سید تاج الدین غریب و اسم مبارکش را جعفر بن فضل بن جعفر بن علی بن ابیطالب می‌داند که او را دو لقب است: یکی تاج الدین و دیگر غریب و عوام الناس به غلط مشهور سید حاجی غریب می‌خوانند و آنرا دو نفر می‌دانند در آن بقعه دو قبر است یکی از سید است دیگر از حاجی غریب بعضی دیگر گویند یکی سید حاجی است و دیگری غریب به هر صورت سهو و اشتباه است و حق همان بود که گفتیم...)، ص ۴۵۶.

۲. رک: آثار المعجم، ص ۴۷۵.

۳. رک: آثار المعجم، ص ۴۸۵.

۴. رک: آثار المعجم، ص ۴۸۹.

بقعه سبزپوشان: در کمر کوه جنوبی شیراز به مسافت سه فرسخ در شکافی از کوه، نشانه مزاری است. گفته اند نام شریفش سید ابواسحق است، آب این مکان از کوه ایوان مانندی چکیده در سنگابها جمع شود، نسب و حال آن جناب بدست نیامد.



عکس آرامگاه شیخ روزبهان فائی

مساجد مسلمانان شیراز

بر این وجه است:

ز همه قدیم تر: مسجد جامع عتیق مشهور به مسجد جمعه^۱ است. شیخ سعدی فرموده است:



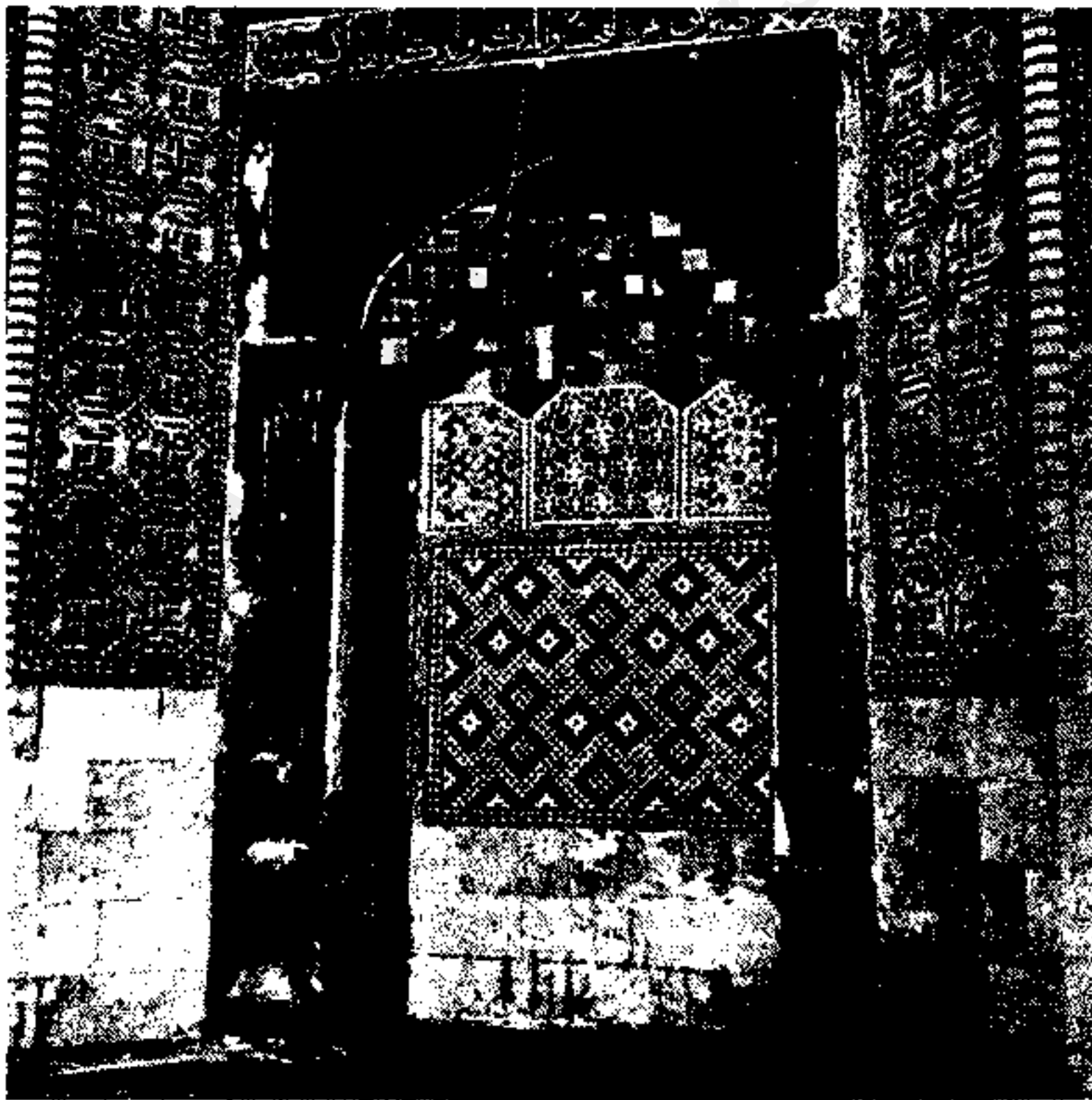
ش ۵۸- یکی از سنگا بهای مسجد جامع عتیق شیراز که در مدخل موزه پارس نگهداری میشود

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب: (تاریخچه ساختمان و شرح آثار تاریخی و هنری مسجد جامع عتیق شیراز)، نگارش مرحوم علی تقی بهروزی، از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، آبان ماه ۱۳۴۹، و آثار المعجم، ص ۴۳۵، و بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، ص ۹۳ تا ۲۰۵، از مرحوم بهروزی، و فارسنامه این بلخی، ص ۱۳۳.

تا نشنوی ز مسجد آدینه بانگ صبح یا از در سرای اتابک غریوکوس

و آدینه در فارسی نام روز جمعه باشد، ناصرالدین بیضاوی در نظام التواریخ نوشته است: بانی مسجد جامع عتیق شیراز، عمرو بن لیث صفار اول ملوک صفاریه است در سال ۲۸۱ هجری بنای مسجد جامع عتیق شیراز را گذاشت. به عرض او رسانیدند که چندین چوب کلفت سخت هموار که سزاوار این عمارت باشد در قریه سروستان در باغ پیره زالی، زاهده است، پس بفرمود تا قیمت چوبها را داده قطع کرده، بیاورند و پیره زال بعد از اطلاع بر واقعه، بی مضایقه چوبها را بداد و اخذ قیمت را به وقت دیگر انداخت، خود به شیراز آمد و به کارگزاران سلطانی گفت: عمله و بنا را بی کار مگذارید و این چوبها را در عمارت مسجد به کار برید و هر چه را به قیمت دهید مضایقه نکنیم و چون چوبها را به کار بردند، پیره زال از گرفتن قیمت انکار نموده، گفت بی خواهم در مسجد شریک باشم و پادشاه در غضب شده، پیره زال به عرض رسانید چرا پادشاه این مسجد را بساخت؛ حضرت سلطان فرمود برای خدای تعالی، پیره زال گفت: از من نیز چنین باشد، پس پادشاه پیره زال را ستایش فرمود.^۱

در شیراز، از قدیم تا کنون مشهور است که در میانه محراب و منبر مسجد جمعه، دعا مستجاب شود و هم مشهور است که این مسجد هرگز از اولیا خالی نباشد، از جناب حاجی-



محراب مسجد جامع عتیق شیراز

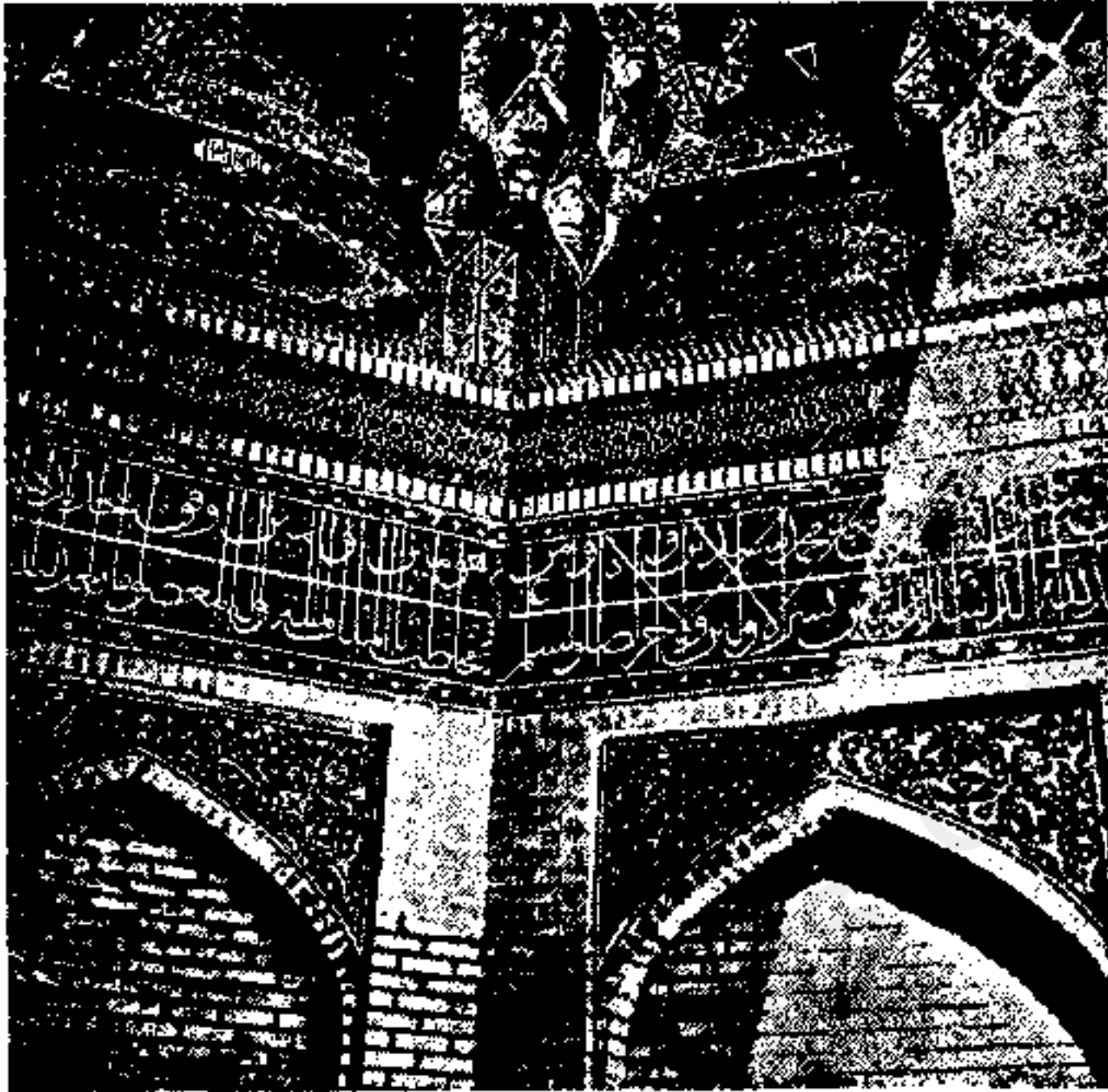
۱. نام این زن در آثار عجم عنقه است، آثار عجم، امیرکبیر، ج ۲، ص ۷۲۱.

شیخ صالح پیش‌نماز این مسجد پرسیدند این مسأله حقیقت دارد یا نه؟ به‌بطایبه فرمود تا ما در

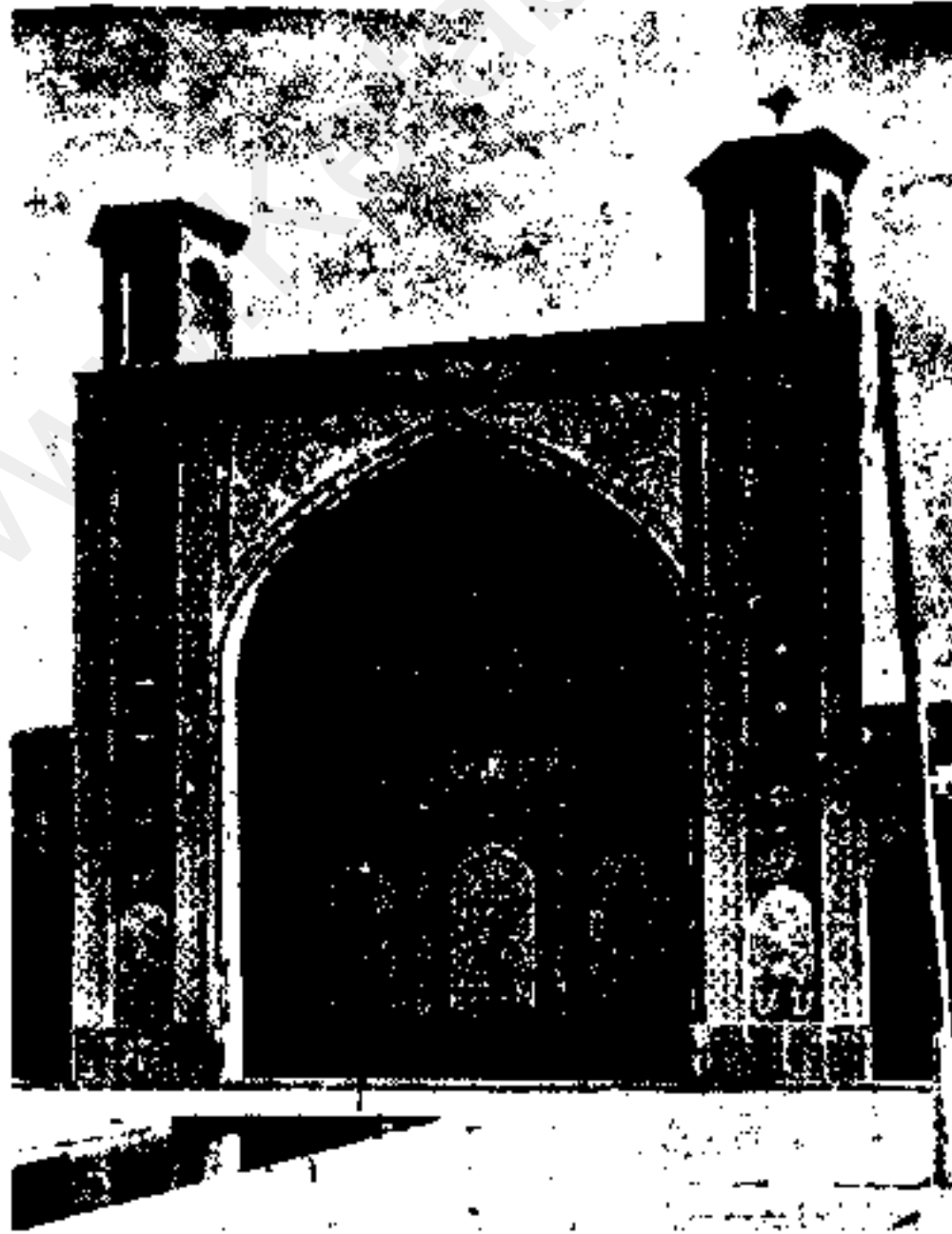


درب شمالی مسجد جامع عتیق شیراز

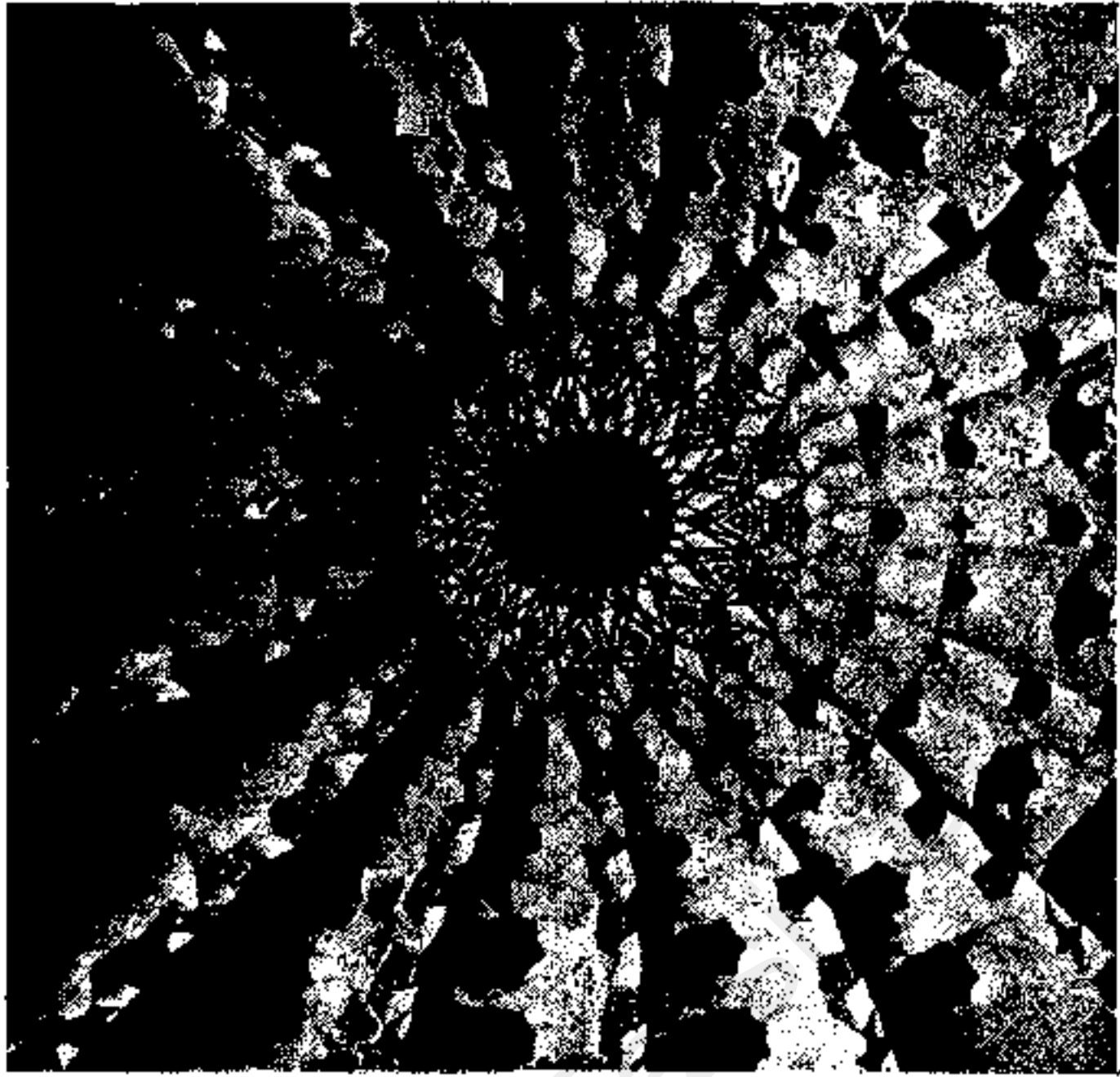
مسجد باشیم چنین است و در میان صحن این مسجد عمارتی از سنگهای تراشیده مرغوب و گچ خالص ساخته، دوره آنرا به‌ستونهای سنگی، چهار ایوان ساخته‌اند و در میان ایوانها حجره و بر دیوارهای داخلی آن حجره و پیشانی داخلی ایوانها، آیات قرآنی و احادیث نبوی به خط خوش نویسان نگاشته‌اند. و در پیشانی خارجی ایوانها، سنگهای دو ذرعی بیشتر و کمتر



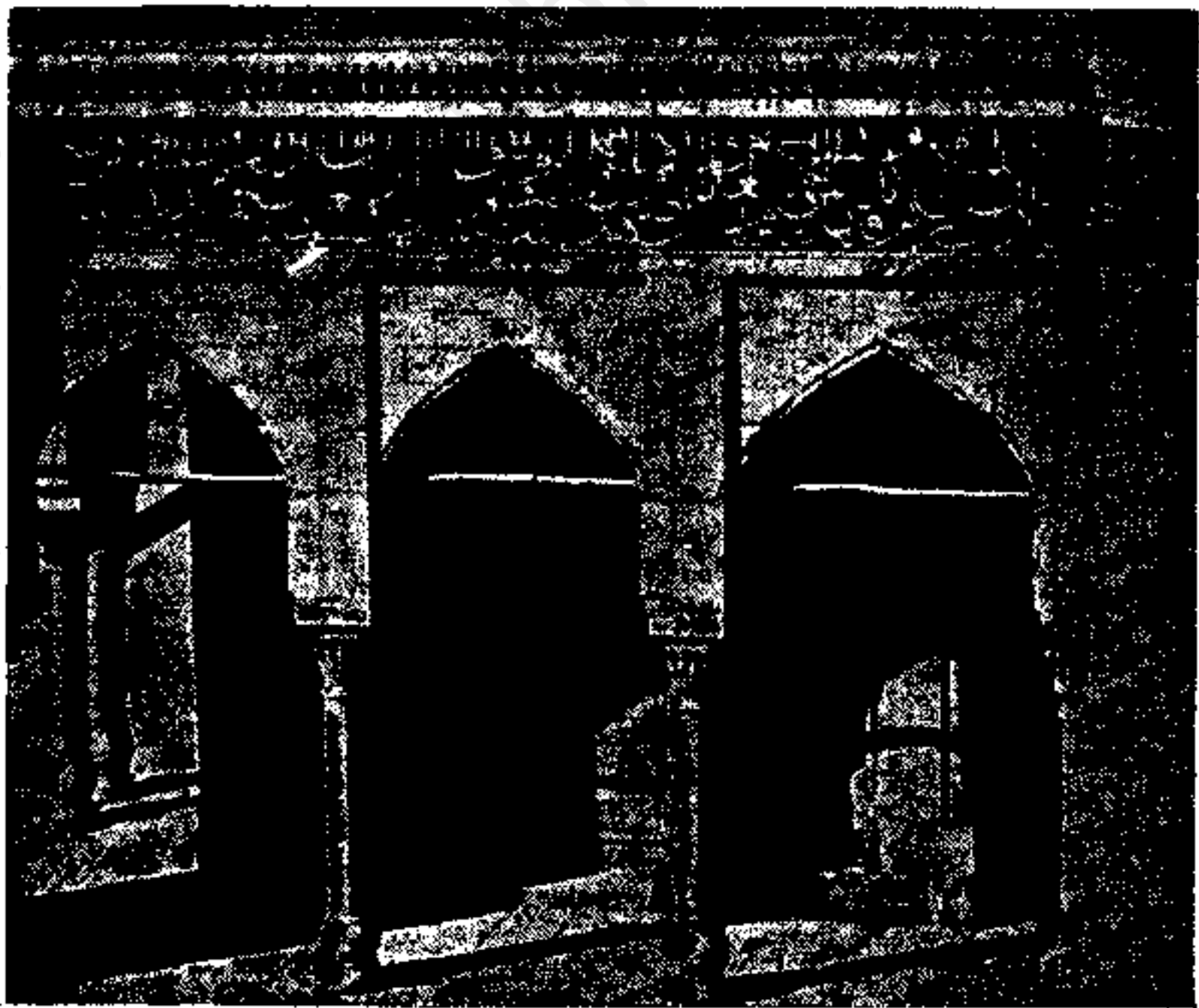
قسمتی از کتیبه و کاشه‌کاری سردرب دوازده امام



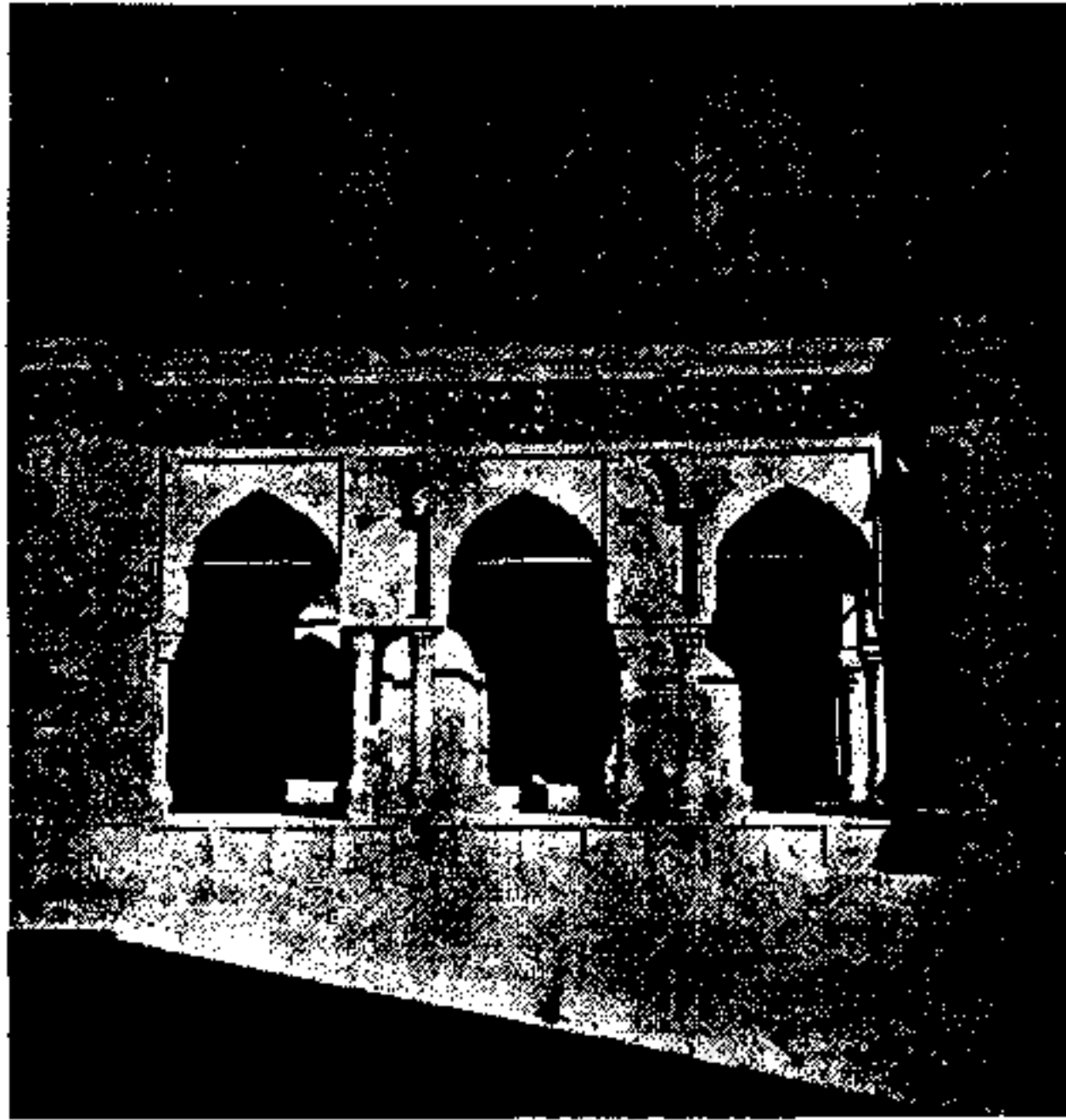
طاقنمای مروارید



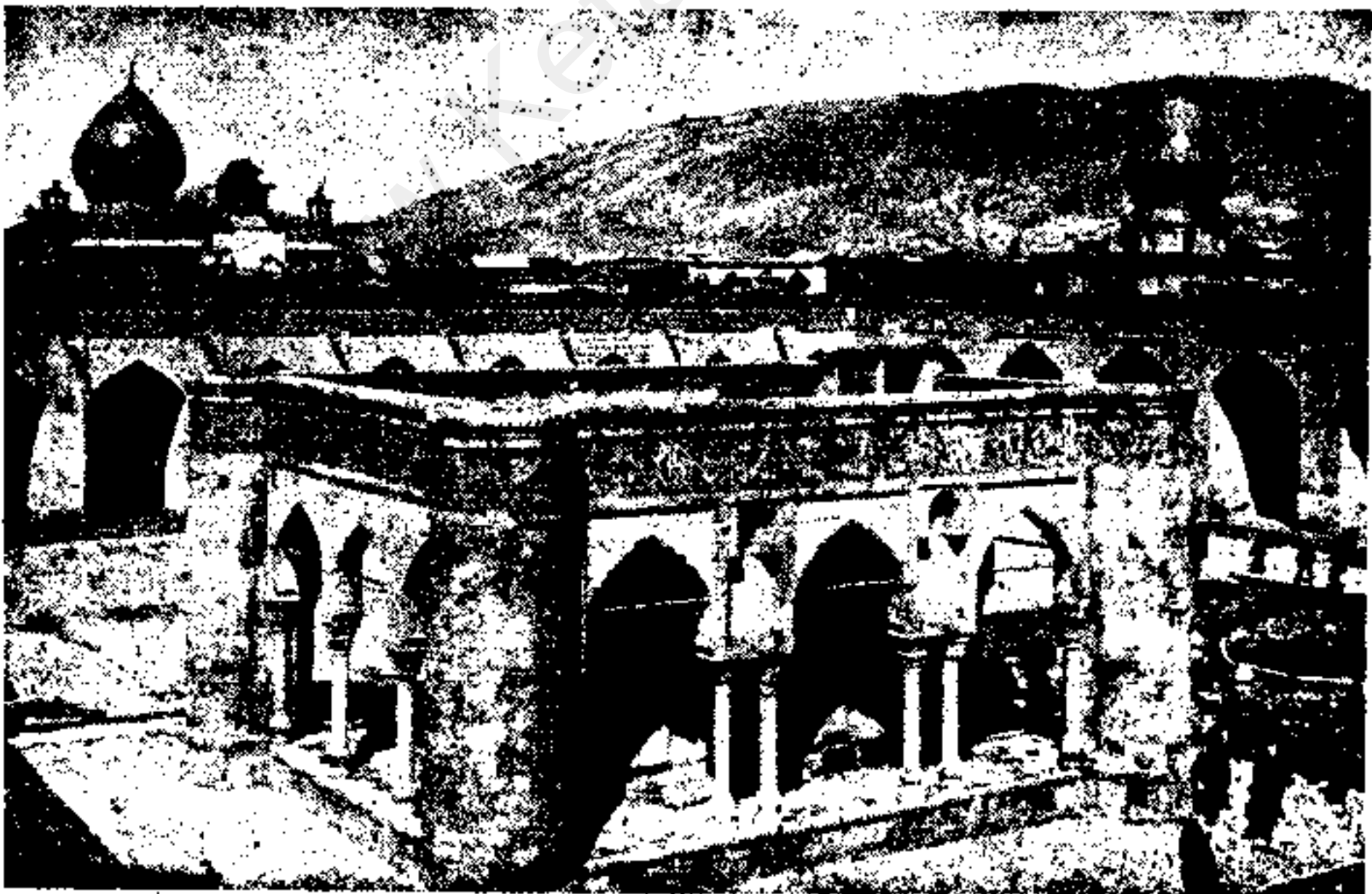
کاشیکاری سقف طاق مروارید



نمای ضلع شمالی خدایخانه



ضلع شرقی خدایرخانه - دو ستون مدور برج مانند و کتیبه معروف آن

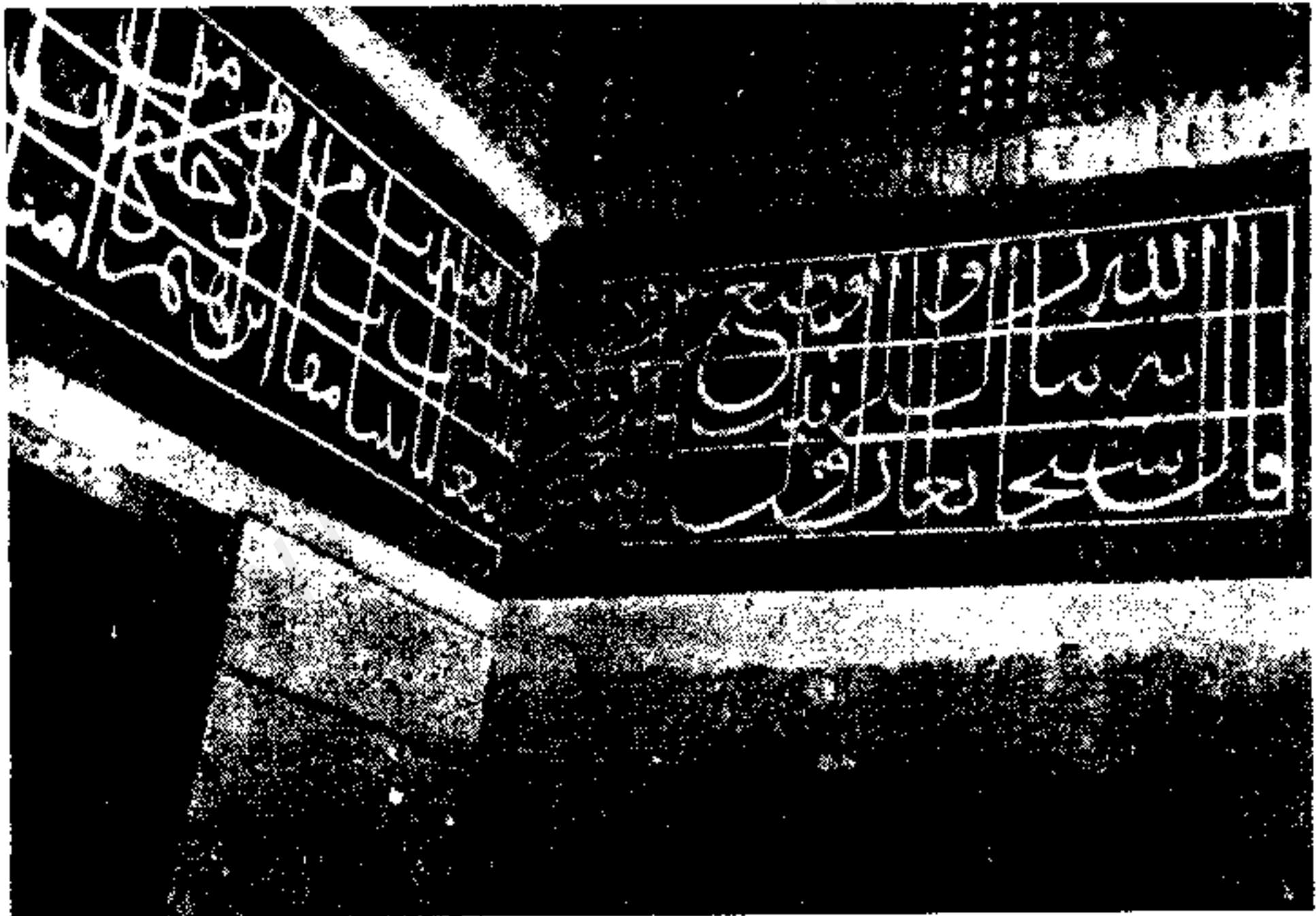


منظره خدایرخانه و قسمتی از مسجد جامع عتیق

کتیبه کرده، در صفحه آنها، نقاری نموده، سوره‌های قرآنی را گنجانیده‌اند و فرجه‌های آن را به کاشی سبز پر کرده‌اند و نام این عمارت بیت‌المصحف است که چندین قرآن در آن گذاشته، هرروزه، صبحها جماعتی از مسلمانان حاضر گشته، مجمعی ساخته هر یک قدری از آن را خوانده، باز قرآن‌ها [را] در بیت‌المصحف می‌گذاشتند و بانی این عمارت بیت‌المصحف، پادشاه زسان شاه‌شیخ- ابواسحق پسر شاه‌محمود انجوی، پادشاه مملکت فارس است. در سال ۷۵۲ به‌اتمام رسانید و در سال ۱۰۹۲ نواب اسام‌وردی بیگ، خلف‌بیگی، والی مملکت فارس این مسجد را تعمیری لایق فرسود، برای تاریخ این تعمیر در پهلوی چپ منبر چهل پله چوبی آن مسجد بر سنگی نوشته‌اند:

که اقتباس کند مهر از ضمیرش نور
به عقل و دانش و فرهنگ در جهان دستور
به هر اراده که باشد شود ز حق منصور
شده است ورد ملک آن سعیکم مشکور
بدام ززمه ان رینا لغفور
چو گل به خنده خرد گفت با نشاط و سرور
«اساس کعبه دین شد به سعی او معمور»^۲

فروغ اختر همت اسام‌وردی بیگ
به فهم و رأی و فراست در انجمن قانون
همان که بسته به معموری جهان همت
ز فیض ساخته تا مسجد عتیق آب‌ساز
زهی بنا که در او میرسد ز غیب به گوش
دل ز غنچه نهان خواست سال تعمیرش
بگوبه یاری توفیق ذوالجلال و دود



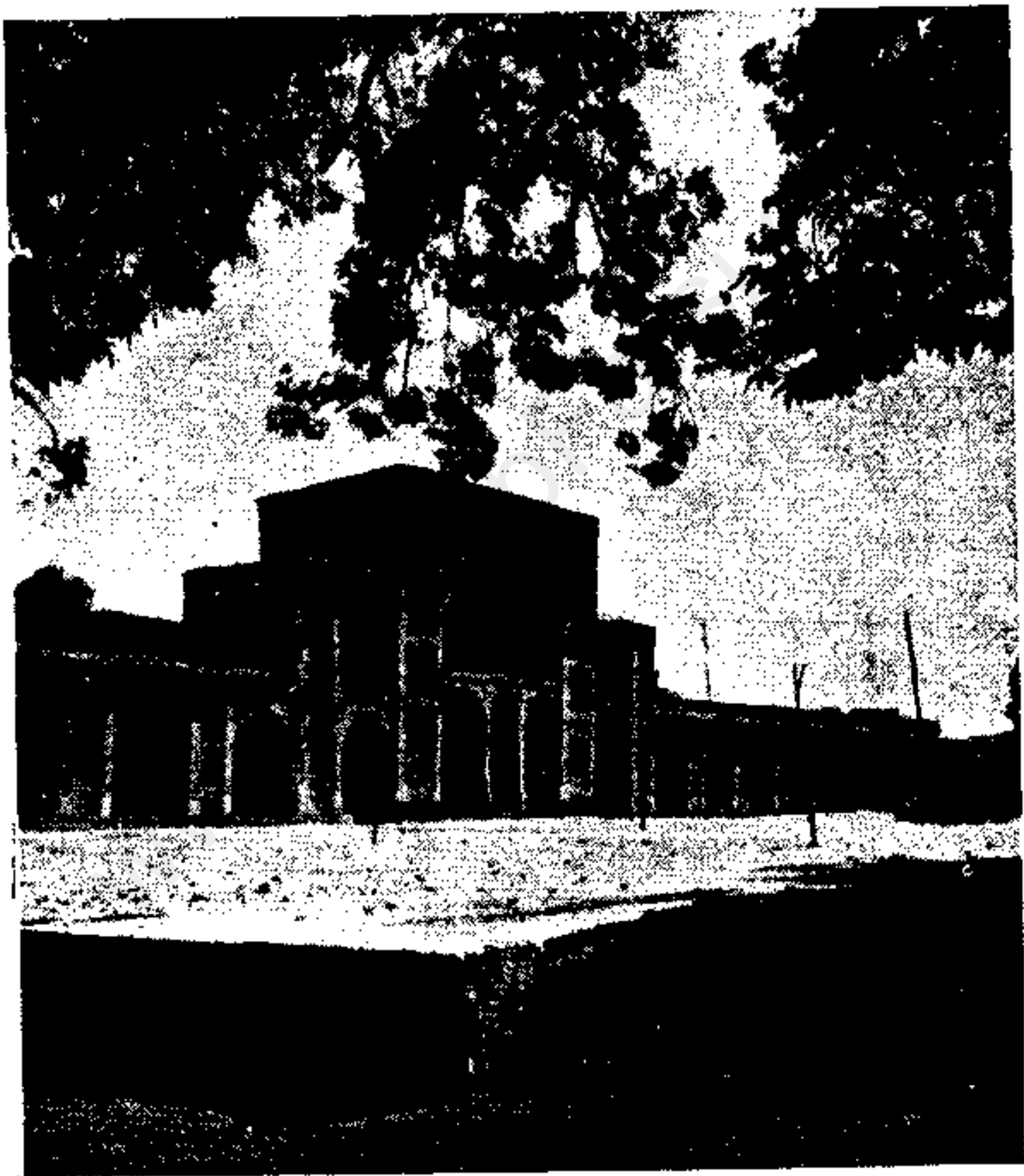
قسمتی از کتیبه معرق ثلث سردر ورودی غربی مسجد جامع عتیق

۱. در متن: (سورها).

۲. برابر با (۱۰۹۲) هجری.

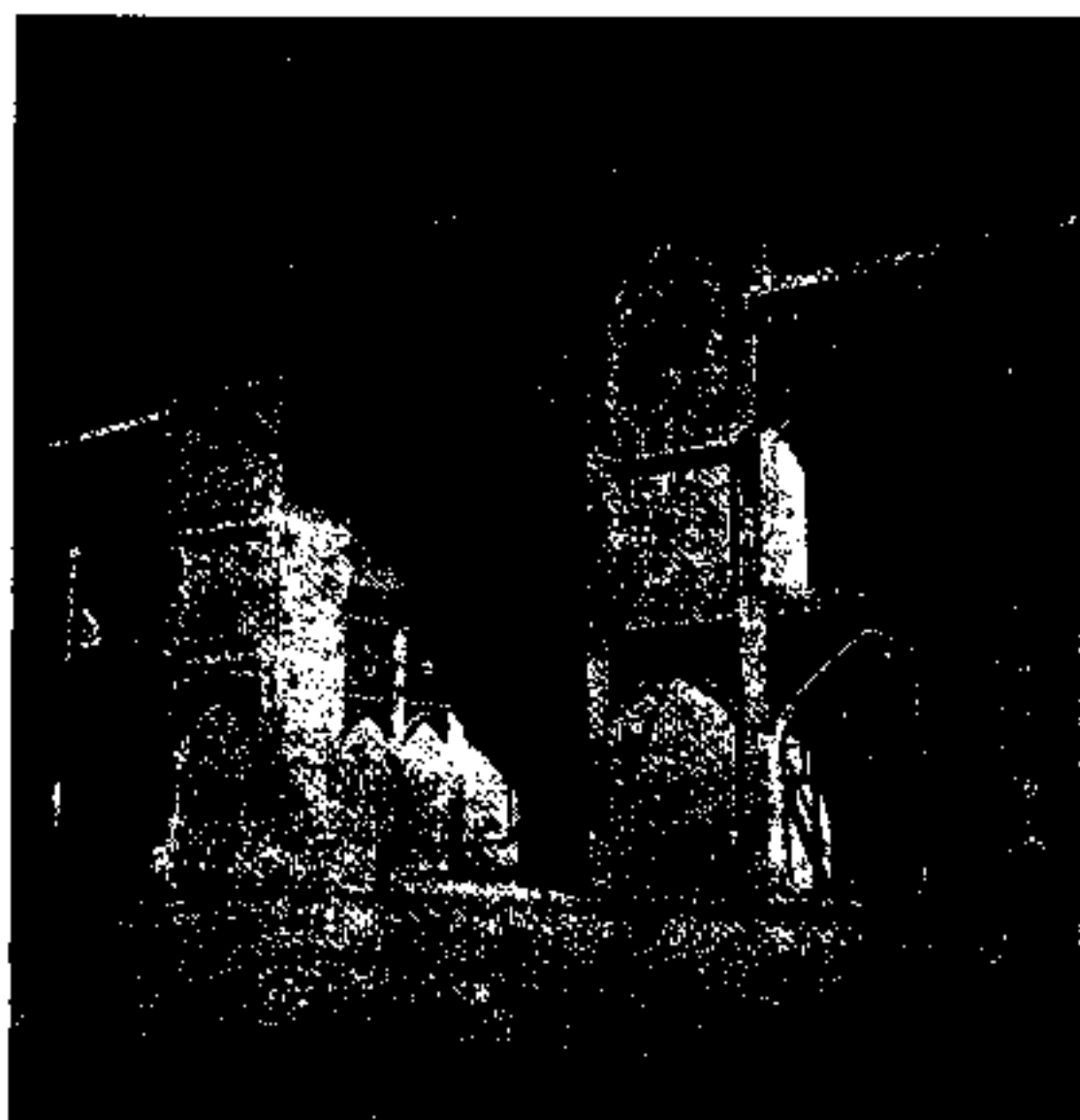
و اکنون تمام این مسجد وسیع رفیع رو به خرابی است و این مسجد در میانه محله بازار مرغ و محله سردزک و محله لب آب است.

مسجد جامع جدید مشهور به مسجد نو: پادشاه زمان اتابک سعد بن زنگی در سال ۵۹۰ هـ و اند آن را بساخت، صحنش، چون خیال شعرا وسیع و عماراتش، مانند همت فقرا رفیع، خاکش مشک بیز، هوایش نشاط انگیز، در هر یک هفته دو روز آب خیرات معین الدینی از میانش می گذرد و در کنار جویش درختان چنان تنومند رسته [و] چنان به هم پیوسته که صحن مسجد را دو نیمه ساخته است، صفهای شمالی این درختان در پائیز و تابستان آفتاب را نبینند و ارباب سلیقه پیش از ظهر تا غروب آفتاب در سایه درختان، عبادت خدای تعالی کنند.



جبهه شمالی مسجد نو

برومند یاد آن همایون درخت که در سایه آن توان برد، رخت

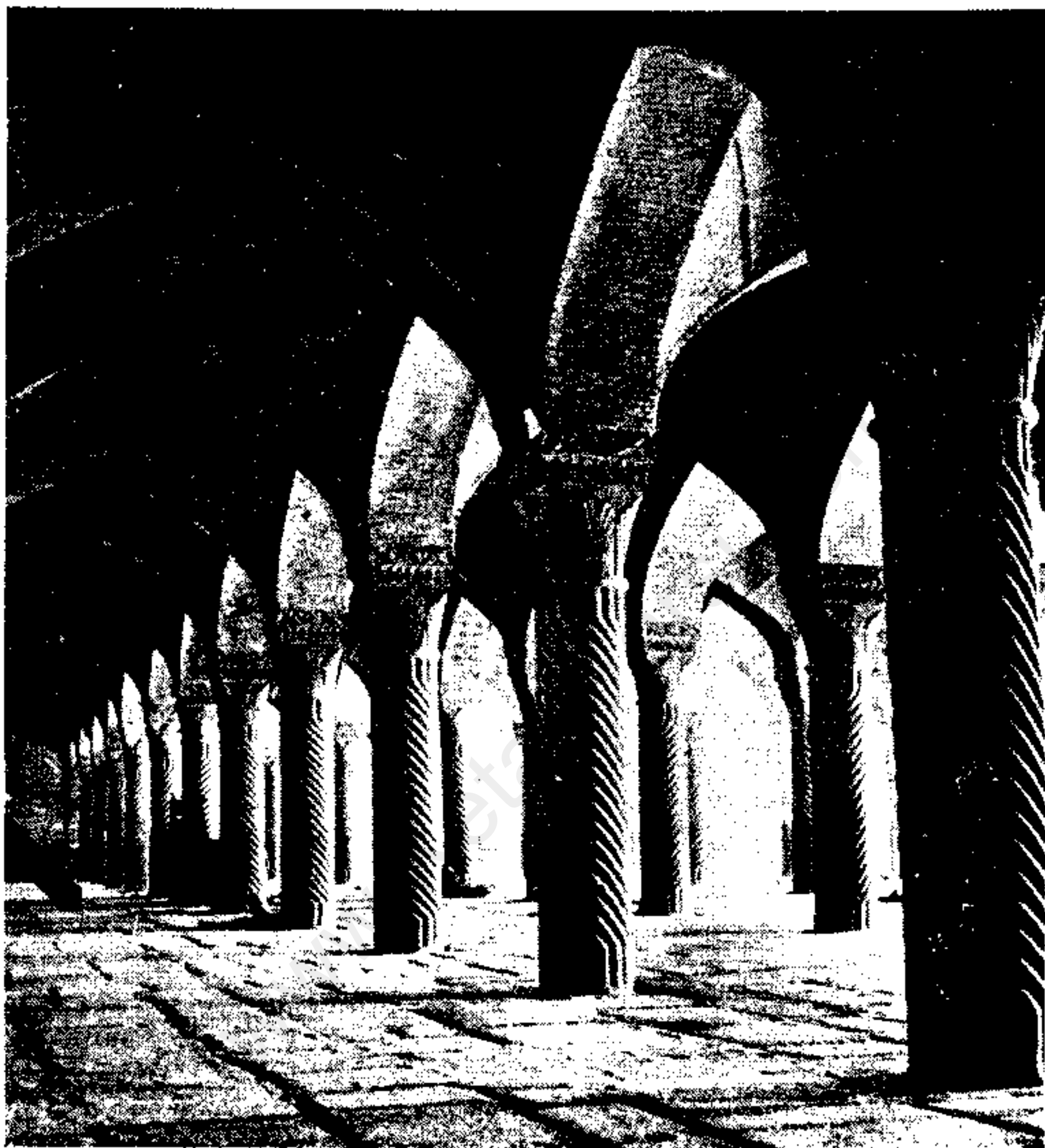


مسجد نو

چندین بار این مسجد تعمیر یافته، از جمله در سال ۹۹۰ و آند، خواجه سعدالدین شیرازی مشهور به شاه‌نوازخان وزیر صوبه دکن هندوستان تعمیرش فرمود بلکه تجدید عمارتش نمود و در سال ۱۱۸۰ و آند بعد از حادثه زلزله، نواب صادق‌خان برادر حضرت کریم‌خان زند، باز تجدید عمارتش نمود و در سال ۱۲۶۹ از صدمه زلزله خراب گشته، جز طاق بزرگ رو به مغرب و کریاس متصل به آن و شبستان پشت به قبله مشهور به شبستان تاریک که از بقایای عمارت شاه‌نوازخان و نواب صادق‌خان است، به آبادی باقی بماند و جناب جلالت‌آب حاجی-میرزا علی اکبر قوام‌الملک شیرازی در سال ۱۲۷۱ و [۱۲۷] ۲ و [۱۲۷] ۳ باز تجدید عمارتش نمود و شبستان معروف به مقصوریه، در این زمستان سال ۱۰۳۱ خراب شد و جناب جلالت‌آب صاحب دیوان میرزا فتح‌علی خان پسر حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک شیرازی تجدید عمارتش نمود. در السنه اهل شیراز است که اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی که هنوز آفتاب عارضش به درجه خسوف و ماه رخسارش در محاق و کسوف نیفتاده بود به اتفاق علما مانند شیخ سعدی و مولانا قطب‌الدین علامه شیرازی بر سر بنایان این مسجد برفتند و ریزه‌گلی از دست بنا جسته، بر چهره اتابک نشست و مولانا قطب‌الدین فرمود: یا لیتنی کنت تراباً، اتابک از شیخ سعدی پرسید که مولانا چه گفت؟ شیخ فرمود: یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً.

و این مسجد در میانه محله بازار مرغ و محله سرباغ و محله درب مسجد افتاده است.
مسجد جامع و کیلی: از بناهای پادشاه ارجمند کریم‌خان زند است که خود را وکیل

۱. رجوع شود به (تاریخچه و شرح آثار معماری و هنری مسجد جامع سلطانی وکیل)، نگارش مرحوم علی‌نقی بهروزی، از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، آبانماه ۱۳۵۰.



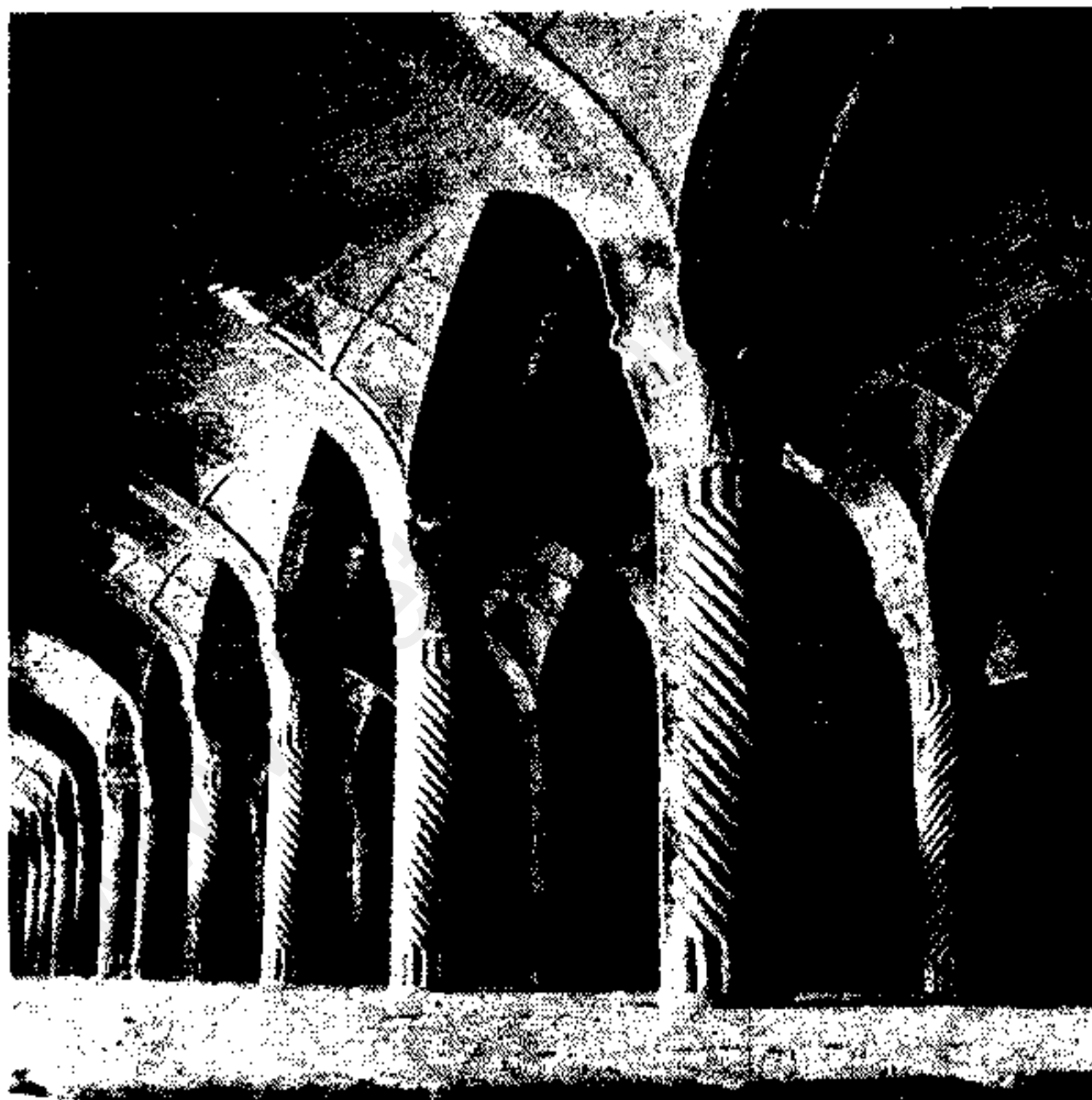
شهبستان بزرگ مسجد و کویل و ستونهای سنگی يك پارچه آن

دولت علیه ایران می گفت در سال ۱۱۸۰ و اندک این مسجد را بنا فرمود گفته اند شالده و بنیان آن را به آب رسانید و از سنگ و خاک و آهک آنرا انباشته، دیوار و طاقها را با آجر و گچ ساخت، ستون^۱ یک پارچه به ارتفاع []^۲ ذرع شاه و قطر هریک [] ذرع در عمارت

۱. چهل و هشت ستون، (تاریخچه... مسجد جامع سلطانی وکیل، ص ۲۶).

۲. قریب پنج ذرع، (آثار العجم، ص ۴۴۳).

مشهور به چهل ستون افراشته [] و طاقهای مرتفع بر این ستونها گذاشته است و سنگهای دو ذرعی، سه ذرعی به درازا و پهنا [] درازاره‌ها به کار برده است و سنگهای مرمر که جز با ارابه نتوان آورد از یزد و آذربایجان آورده، در ازاره طاقهای بزرگ رو به قبله و پشت به قبله گذاشته‌اند و منبری یک پارچه از سنگ مرمر به درازای [] ذرع شاه و [] ذرع پهنا که [] پایه دارد در عمارت چهل ستون به دیوار ملاصق محراب نصب نموده‌اند و دریاچه‌ای در درازای مسجد ساخته که سنگهای لب آن [] ذرع درازا و [] ذرع پهنا و [] ذرع ارتفاع و [] ذرع کلفتی آنهاست. و تمام صحن این مسجد را از سنگهای دو ذرعی و سه ذرعی فرش نموده‌اند و شبستان وسیعی در جانب شرقی این مسجد ساخته‌اند و این مسجد در جانب غربی بازار وکیل است.

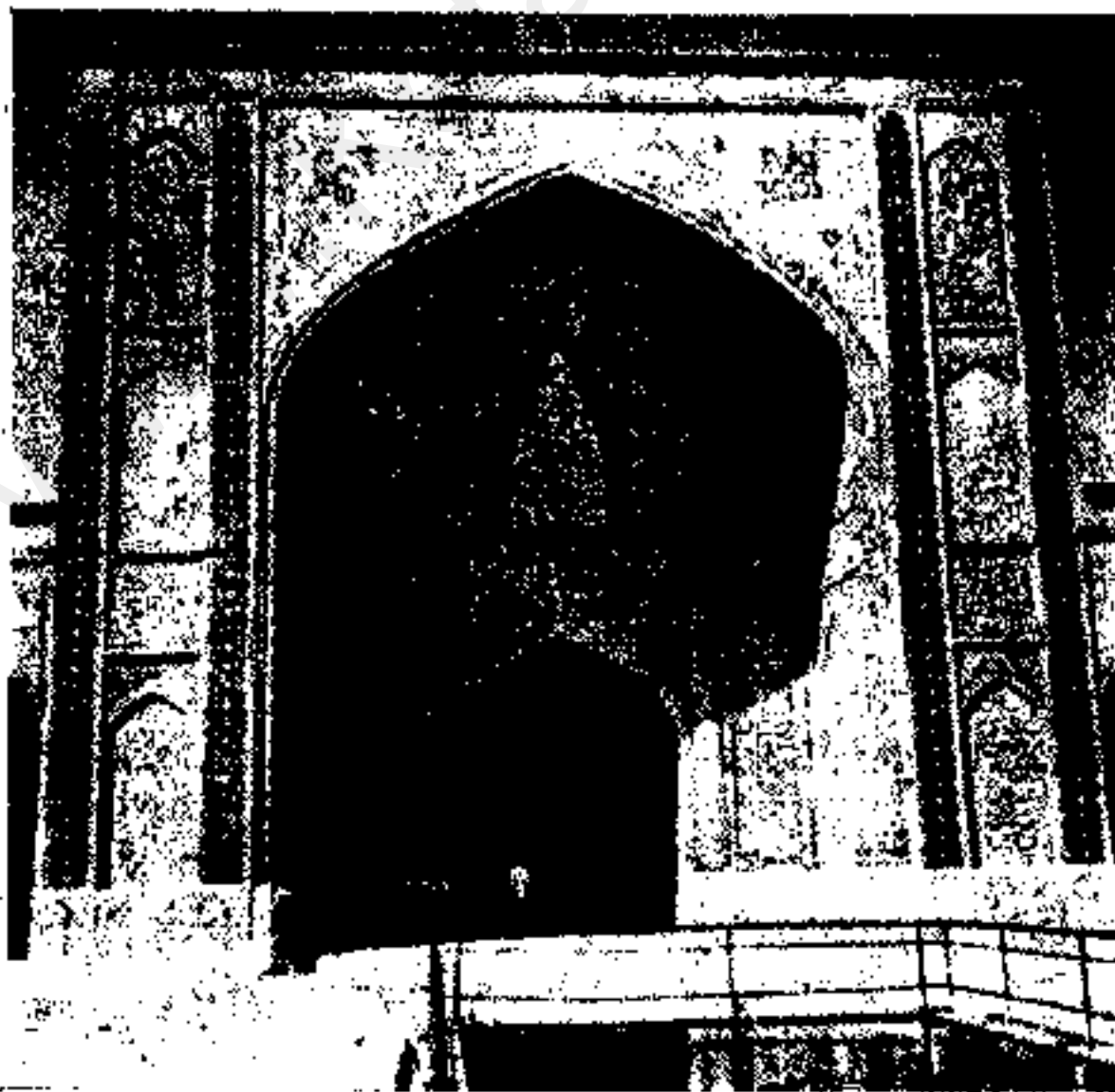


یکی از شاهکارهای هنری مسجد وکیل، حجاری چهل و هشت ستون آن است که سقف شبستان وسیع مسجد را نگهداشته است. حجاری این ستونهای یکپارچه بقدری ماهرانه و استادانه صورت گرفته که سرسوزنی با هم اختلاف ندارند.

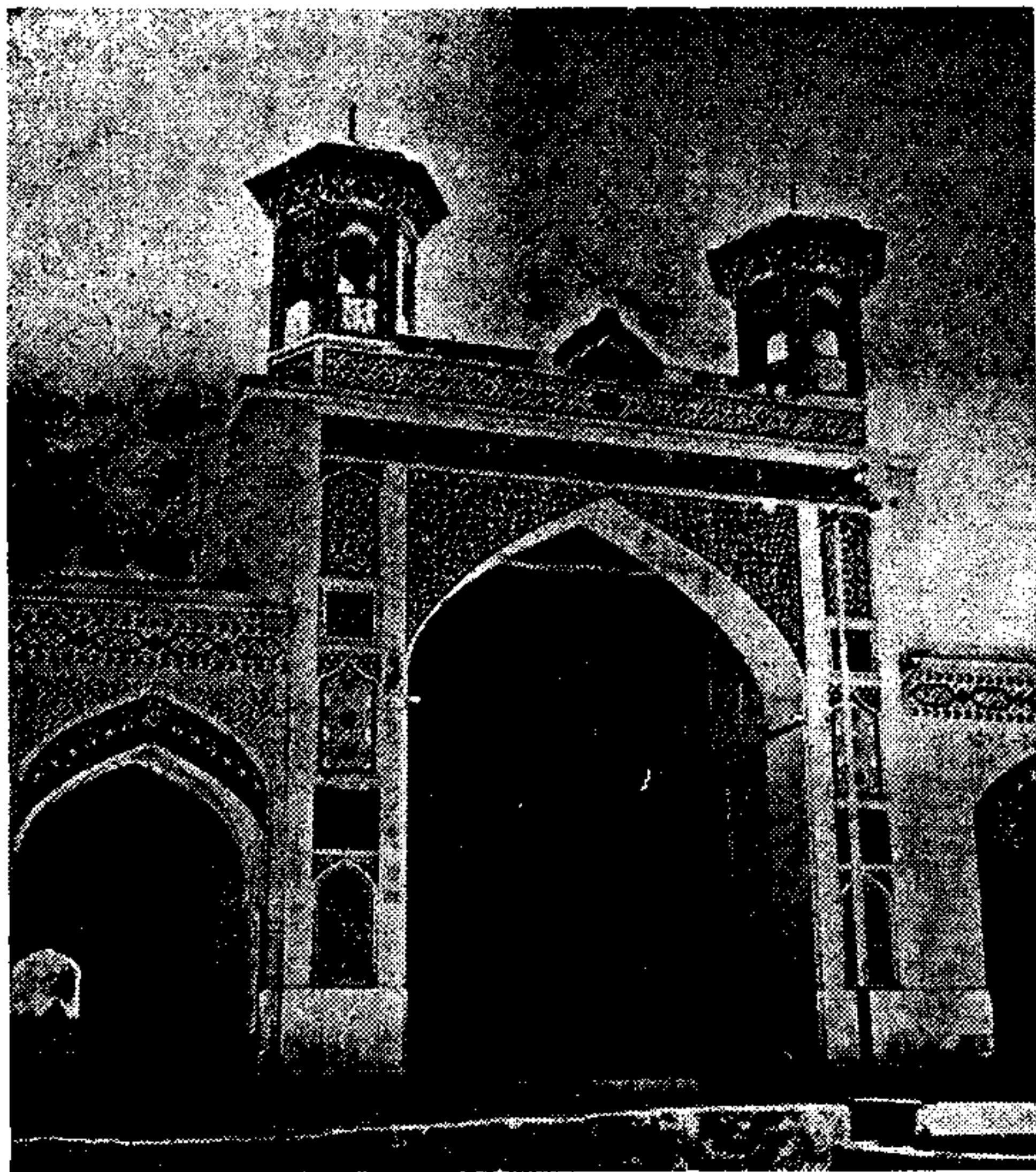
۱. این منبر دارای ۱۴ پله است طول آن ۶/۵ متر و عرض آن ۱/۲۶ و قطر آن ۵۵/۵ متر می‌باشد. (تاریخچه... مسجد جامع سلطانی وکیل، ص ۵۴).



در این عکس منبر معروف چهارده پله که از سنگ مرمر یکپارچه حجاری شده دیده میشود. طرفین منبر کاشیکاری شده و یکی از دیوارهای دو طرف محراب و قسمتی از محراب نیز مشاهده میگردد



سردر ورودی به شبستان بزرگ مسجد وکیل که قرینه طاق مروارید است، از شاهکارهای معماری است. کاشیکاری پیشانی و زیر سقف و بدنه طاق و دوجرز آن و همچنین خط کتیبه آن شاهکار هنر کاشی‌سازی و نقاشی و خطاطی است



عکس دیگری از طاق مروارید است که نقوش و خطوط آن را بهتر نشان میدهد

مسجد حاجی مشیرالملک^۱: از بناهای جناب جلالت‌سآب حاجی سیرزا ابوالحسن خان

۱. آثار تاریخی و هنری جلگه شیراز، ص ۲۱۰ تا ۲۱۳. فرصت‌الدوله بی‌نویسد: عرصه مسجد قریب ۵۴ قدم طول و ۳۰ گام عرض دارد... ساعتی فرانسوی بسیار بزرگ (دارد) که زنگ آن متجاوز از شصت تن است، فراز طاق بزرگ

شیرالملک وزیر مملکت فارس. از سال ۱۲۹۵ تا ۱۲۷۴ [۱۲] به اتمام رسانید و بعد از مسجد جامع و کیلی بر حسب استحکام و ترتیب و دریاچه و ستونهای سنگی و شبستان و سنگ ازاره، مانند مسجد شیراز نیست و علاوه بر عمارات مسجد، چندین حجره فوقانی در آن ساخته، مسکن طلاب دینیه قرار داده است و تا کنون که چند سال از وفات حاجی شیرالملک گذشته است، معلوم نیست که موقوفاتی برای این مسجد و حجرات معین کرده باشد. و این مسجد در محله سنگ سیاه، در جوار خانه حاجی شیرالملک است و مرحوم حاجی اسدالله خان شیرازی در تاریخ بنای این مسجد فرموده است:

در فارس ابوالحسن مشیرالملک است در بحر سیادت و سعادت فلک است
تاریخ بنای مسجدش گفت خرد آبادی مسجد از مشیرالملک است: (۱۲۹۵)

مسجد حاجی نصیرالملک^۱: از بناهای جناب جلالت مآب حاجی میرزا حسن علی خان نصیرالملک پسر غفران مآب حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک است. در استحکام بنیان و سنگ ازاره و ستونهای سنگی و شبستان و دریاچه و صحن مانند مسجد مشیرالملک بلکه اندکی بزرگتر و بعضی تصرفات تازه در آن فرموده که بر محاسن آن افزوده است. و این مسجد در جوار خانه حاجی نصیرالملک در محله اسحق بیگ است.

مسجد حاجی قوام^۲: بانی و واقف آن غفران مآب حاجی محمود تاجر شیرازی، جد اعلای مغفرت توأمان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک است که شرح حال او در ذیل محله بالا گفت شیراز در گفتار دوم این فارسنامه ناصری گفته شد.

مسجد حاجی علی چکمه دوز شیرازی^۳: که خیرالحاج، حاجی علی تاجر مشهور به چکمه دوز، در سال ۱۲۸۰ و اند به انجام رسانیده، کمال سعی و اهتمام در استحکام بنا و مرغوبی عمارت و ستونهای سنگی یک پارچه و سنگ ازاره و شبستان و دریاچه به جا آورده، او را ششمین مساجد شیراز شمرده اند.

مسجد آقا باباخان^۴: در سال ۱۲۸۷ به انجام رسید و در وسعت صحن از بیشتر مساجد شیراز امتیاز دارد در محله اسحق بیگ است و شرح حال مرحوم آقا باباخان در ذیل وقایع سال ۱۲۴۰ و اند در گفتار اول این فارسنامه گفته شد.

مسجد حاجی باقر تاجر شیرازی^۵: در محله سردزک در سال ۱۲۷۶ ساخته شد و در استحکام بنا و ستونهای سنگی و ازاره و شبستان و وسعت صحن، بعد از مساجد سابقه است.

مسجد حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی^۶: در محله سرباغ در سال ۱۲۴۰ و اند بنا شد و

→
روبه جنوب قرار داده اند. و تقدما متحمل شکست و بست و مواظب آن ساعت... حاجی میرزا محمد علی ابن حاجی سید اسماعیل خوشنویس شیرازی است... ص ۴۳۷، آثار المعجم.

۱. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۸، آثار تاریخی و هنری جلگه شیراز، ص ۲۱۴.

۲. آثار المعجم، ص ۴۴: (این مسجد را مرحوم حاجی ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی، جد قوام الملک حالیه ساخته).

۳. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۴.

۴. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۶.

۵. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۷.

آب انباری بزرگ در زیر صفا رو به قبله آن، شبستان در جانب قبله و دریاچه از وجه حلال تجارتی ساخته و پرداخته است.

مسجد طبالیان^۱: در وسعت صحن از بیشتر مساجد برتری دارد و بحسب عمارت از عموم مساجد کمتر، در جوار مسجد جمعه افتاده است.

مسجد حاجی غنی^۲: در سال ۱۳۰۰، حاجی محمدحسن اسماعیل بیگ تاجر شیرازی بعد از خرابی آن مسجد، عمارتی بیشتر و بهتر از اصل آن بنا نموده به انجام رسانید، درمیانه بازار وکیل و دروازه اصفهان افتاده است.

مسجد ایلخانی^۳: مرحوم جانی خان، ایلخان قشقائی در جوارخانه خود در میدان شاه در سال ۱۲۲۰ و اند ساخته است.

مسجد شکرالله خان نوری^۴: در محله درب شاهزاده است.

مسجد مولاها^۵: حاجی محمد صادق تاجر اصفهانی، آنرا تعمیر نموده، در محله درب شاهزاده است.

مسجد سردزک^۶: در جوار حضرت شاه چراغ در محله سردزک است.

مسجد آقا احمد^۷: در محله میدان شاه نزدیک به باروی شهر است.

مسجد آقا لوی^۸: در محله سردزک نزدیک مدرسه منصوریه است.

مسجد آدینه خان^۹: در محله اسحق بیگ، حاجی میرزا کریم صراف، آن را تعمیری لایق نموده، مشهور به مسجد حاجی میرزا کریم شده است.

مسجد جناوه^{۱۰}: در محله سنگ سیاه.

مسجد آقا قاسم^{۱۱}: در محله سردزک است.

۱. در آثار المعجم، ص ۴۳۹: مسجد (طبالیان).

۲. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۶.

۳. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۵.

۴. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۹.

۵. رک: آثار المعجم، ص ۴۴۱.

۶. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۴.

۷. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۵.

۸. رک: آثار المعجم، ص ۴۳۴.

۹. چنین است در متن، ولی مرحوم فرصت الدوله که نام بسیاری از مساجد دیگر را هم آورده است از مسجدی سخن می گوید در محله دزک که آنرا (جمازه) می خوانند و در شیرازنامه ها (جنباذ) است، ص ۴۳۶، متن و حاشیه.

مدرسه‌های شیراز

بر این وجه است:

مدرسه منصوریه^۱: از بناهای حضرت سلطان‌المحققین، سیدالمدققین، امیرصدرالدین محمد دشتکی شیرازی جداعلای نگارنده این فلامنامه ناصری است در سال ۸۸۳ در محله دشتک شیراز که اکنون جزء محله سردزک و محله لب‌آب گشته، بنا فرمود و به مناسبت اسم‌ولد ارجمند خود، حضرت اکمل اهل نظر، استادبشر، عقل حادی عشر، امیرغیاث‌الدین منصور، آن رامدرسه منصوریه فرمود، تولیت آن را با ارشد اپناء بنین و اپناء بنین خود با تقدم بطن اول مقرر نمود و چندین قریه و مزرعه تمام، وقف برآن مدرسه فرمود و بسیاری از آنها از زمان سلطنت پادشاه قهار نادرشاه افشار، خالصه دیوان‌اعلی گشته و بعضی در دست غاصبین باقی مانده‌است جز قریه قصرکرم مشهور به کوشک قاضی واقعه در بالا کوه بلوک‌فسا و مزرعه سختویه مشهور به سختان واقعه در حومه شیراز در خارج دروازه قصاب‌خانه شیراز و قریه سهل‌آباد واقعه در بلوک رامجرد که سالها به وقفیت در دست متولیان مدرسه منصوریه باقی بود تا در سال ۱۲۸۴ حاجی شیخ حسین عرب مشهور به شیخ حسین طایفه سلقب به‌ناظم الشریعه به‌وجه‌اشتمل به عنوان مجهول‌المالک غصب نموده و در سال ۱۲۹۵ حضرت اشرف ارفع والا، حاجی معتمدالدوله فرهادمیرزا، ادام‌الله‌بقاه، والی مملکت فارس در شیراز مجلسی آراسته، علماء و بزرگان را حاضر ساخته، ناظم الشریعه و نگارنده این فلامنامه را که متولی این موقوفه بودم، خواسته، احکام وقفیه را ملاحظه فرموده مضمون آنها را بر علماء و بزرگان القاء فرمود و تمام آن جماعت تصدیق برحقیقت و صحت آن احکام فرموده، ادای شهادت خود را در وقفیت سهل‌آباد رامجرد نمودند، پس قریه سهل‌آباد را از او گرفته به‌متولی مظلوم سپرده در سال ۹۹ [۱۲] باز ناظم الشریعه به‌اشتملی تازه سهل‌آباد وقفی را باز گرفته.

و این مدرسه تاکنون به‌آبادی باقی است و تمام حجرات آن مسکن طلاب علوم دینی است و معیشت آنها از منافع املاک موقوفه برآن است که به‌وجه احسن گذران می‌نمایند و چون حجرات آن از زلزله‌ها و سرور دهور شکسته و درهم‌ریخته بود، مؤلف این فلامنامه در سال

۱. درباره این مدرسه مراجعه شود به بناهای تاریخی جلگه شیراز، ص ۲۲۹ و ۲۳۰، و آثارالمعجم، ص ۴۹۷.